

خط اصلی انقلاب، یعنی حمایت از زحمتکشان

زحمتکش می‌گردد. طبقات و اقشار زحمتکش و مترقی جامعه ایران اکثریت مطلق سکنه کشور ما را تشکیل می‌دهند. گرچه هر یک از این طبقات و اقشار خواستهای طبقاتی، صنفی، اجتماعی و سیاسی مخصوص بخود را دارند. اما، در مجموع، خواستهای آنان در مرحله کنونی رشد اقتصادی - اجتماعی جامعه ما، خواستهایی است که در شعار اساسی رهائی از سلطه غارتگرانه امپریالیسم و طبقات و اقشار وابسته به آن در ده و شهر ایران خلاصه میشود.

درباره رهائی از سلطه غارتگرانه امپریالیسم بسیار سخن گفته‌ایم. در این نوشته توجه ما معطوف به رهائی زحمتکشان از سلطه طبقات و اقشار وابسته به امپریالیسم در ده و شهر ایران است که، چنانکه می‌دانیم، نه فقط در پایمال کردن استقلال کشور ما همکار و دستیار امپریالیسم بوده‌اند و هستند، بلکه در عقب‌ماندگی اقتصادی - اجتماعی جامعه ایران و فشار طاقت‌فرسایی که به زحمتکشان شهر و روستا وارد شده و می‌شود، نیز همکار و دستیار امپریالیسم بوده‌اند و هستند.

بقیه در صفحه ۴

امپریالیستی و خلقی را توده‌های مردم زحمتکش تشکیل می‌دهند، تاکید بر این واقعیت نیز هست که در جریان گسترش و تعمیق انقلاب، نقش این توده‌ها باز هم افزایش یافته‌است. از انقلاب نیروها و اقشار نیمه‌راه جدا شده و می‌شوند، اما زحمتکشان مجدداً تری و پیگری در خط انقلاب ایستاده‌اند و بخاطر گسترش و تعمیق آن از هیجان‌ناک‌ترین دریغ ندارند.

بدینسان، این نکته دیگر پذیرفته شده است که، شرط پیروزی قطعی و نهایی انقلاب ایران و ناکامی توطئه‌های دشمنان در آنست که، حمایت از منافع زحمتکشان خط اصلی انقلاب شناخته شود و در اجرا و تعمیق آن همه ملاحظات دیگر کنار رود. اکنون سخنی که باقی مانده اینست که، خط مستضعفان در انقلاب یعنی چه و چگونه می‌توان آنرا به اجرا درآورد؟ سسی ما در اینست که این سؤال را بشکافیم و به آن پاسخ دهیم.

واژه توده‌های مستضعف در انقلاب ایران یک مفهوم طبقاتی - اجتماعی مشخص است، که شامل طبقات و اقشار زحمتکش جامعه: کارگران، دهقانان، کارمندان، پیشه‌وران و کسبه و روشنفکران

حجت‌الاسلام خامنه‌ای، امام‌جمعه تهران، در یکی از خطبه‌های نماز خود، (جمعه ۱۷ بهمن ۱۳۵۹) ضمن برشمردن دستاوردهای انقلاب و تاکید بر این نکته که، استواری انقلاب در گرو تکیه بر رعایت منافع زحمتکشان است، خطاب به دولت چنین یادآور شد:

«برای ناکامی دشمن، همه قشرها باید وظایفی را عهده‌دار شوند. دولت برای آنکه در خط اصلی انقلاب باشد، باید سیاست آن در جهت حمایت از مستضعفین باشد. باید این خط در آینده ایران تعقیب شود. همه ملاحظات دیگر باید کنار رود. این مستضعفین هستند که از این انقلاب پشتیبانی می‌کنند و همین‌ها هستند که همه چیز را تحمل می‌کنند.»

سخن امام‌جمعه تهران در اینکه خط اصلی انقلاب باید خط حمایت از مستضعفین باشد و در این زمینه همه ملاحظات دیگر باید کنار برود سخن درست و با اهمیتی است. این سخن، ضمن تأیید این نکته که نیروهای محرکه انقلاب ضد -



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۵۷
دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۲۴ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

در صفحات بعد

مالکیت در سوسیالیسم
صفحه ۴

با حل سریع مشکلات زندگی مردم سقز اقدامات توطئه‌گرانه و فعالیت تبلیغاتی ضد انقلاب را خنثی سازید!
صفحه ۶

صفحه دهقانی ویژه هیئت‌های هفت نفری و اجرای بند «ج»
صفحه ۵

در باره کارخانه چرم - سازی «رودبار» و «گروه صنعتی ملی»
صفحه ۴

در پیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

بحث درباره برنامه پنجساله جدید پیشرفت اقتصادی ادامه دارد

تئودید برژنف تبریک گفت، وی خاطر نشان کرد که ابتکارات جدید اتحاد شوروی در زمینه حفظ و پایداری صلح و تسنح‌زدانی و خلع سلاح، که در گزارش کمیته مرکزی به کنگره ارائه شده است، مواضع تمام نیروهای ما را که علیه توطئه‌های ارتجاع و امپریالیسم جهانی و بخاطر صلح و از بین بردن خطر جنگ مبارزه میکنند، تقویت مینماید.

دیدار با یانوش کادار رهبر مجارستان

در این دیدار درباره مسائل بین‌المللی و مسائل مربوط به روابط و همکاری‌های دو کشور گفتگو شد. یانوش کادار دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، از پیشنهاد های مربوط به ادامه روند تسنح‌زدانی، توسعه همکاری‌های بین‌المللی و کوشش برای استحکام مبانی صلح، که در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به بیست و ششمین کنگره ارائه شده است، پشتیبانی کرد. یانوش کادار خاطر نشان کرد که حزب سوسیالیست کارگری

بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، که چهارم اسفند ۵۹ در مسکو گشایش یافت، بکار خود ادامه میدهد. در جلسات روز شنبه (۹ اسفند) اظهار نظر نمایندگان کنگره پیرامون گزارش نیکولای تیخونوف، رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی، درباره طرح برنامه پنجساله جدید پیشرفت اقتصادی ادامه یافت.

وزیر کشاورزی اتحاد شوروی، والتین میسیف، ضمن سخنان خود درباره بخش کشاورزی این برنامه، اظهار داشت:

«در پنجسال آینده محصولات غله در اتحاد شوروی سالیانه به ۴۴۷ تا ۴۴۳ میلیون تن و گوشت ۱۷ تا ۱۷ میلیون تن خواهد رسید.»

دیدارهای تئودید برژنف با سران هیئت‌های نمایندگی در پیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی دیدار با اریش هونکر رهبر جمهوری دموکراتیک آلمان

روز نهم اسفند، تئودید برژنف با اریش هونکر دبیر کل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان دیدار و گفتگو کرد. اریش هونکر از جانب کمیونست‌ها و هم‌زحمتکشان آلمان دموکراتیک، کار موفقیت‌آمیز کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی را به

نبرد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران علیه تجاوزگران صدامی دیروز نیز ادامه داشت و در این برخوردها تلفات جانی و مالی زیادی به نیروهای عراقی وارد آمد.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اعلامیه ۴۱۹ خود، بخشی از عملیات دلاوران ایرانی را به شرح زیر اعلام کرده است:

مبادله آتش توپخانه بین نیرو - های جانباز اسلام و دشمن متجاوز در تمام مناطق آرون‌رود ادامه داشت و توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران مواضع نیروهای دشمن در مناطق ام‌الرصاص، سبیه، میمان و رومی عراق را زیر آتش قرار داد و تلفات و خساراتی به دشمن وارد کرد، که از میزان آن تاکنون گزارشی نرسیده‌است. در جبهه -

در رابطه با این تراژدی که به خلقهای عراق و ایران تحمیل شده‌است، ملاقاتی بین نمایندگان جنبش دموکراتیک زنان، متشکل از تشکیلات دموکراتیک زنان ایران و لیگای زنان عراقی، بمنظور تعمیق دوستی سنتی بین زنان و خلقهای دو کشور همسایه، که بطور مشترک علیه استعمار، فئودالیسم و اختناق مبارزه کرده‌اند، صورت گرفت.

زنان عراقی و ایرانی جنگ تجاوزی را، که رژیم بعثی عراق و دارودسته صدام حسین علیه جمهوری اسلامی جوان ایران برافروخته‌اند، شدیداً محکوم میکنند. این جنگ بخشی از نقشه‌های تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکاست، که هدفی جز خفه کردن انقلاب ایران و دستاوردهای آن و جلوگیری از نفوذ و تأثیر آن بر جنبشهای آزادیبخش منطقه، که متوجه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع است، در سر ندارد. تدارک این ماجراجویی جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا از فردای پیروزی انقلاب ایران آغاز شد. عراق با کمک امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی دیگر به مهمترین مرکز توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. رژیم صدام حسین به ضدانقلاب در کردستان و خوزستان کسکهای فراوانی نموده است. ضدانقلابیون، بقایای رژیم شاه و افسران و مانورین ساواک و فئودالها، که پس از انقلاب به عراق گریخته بودند، در آنجا مصونیت سیاسی بدست آوردند. اینها همه با تشدید تبلیغات دیوانه‌وار شوونیستی رسانه‌های گروهی رسمی عراق علیه انقلاب و خلق ایران همزمان بوده است.

بقیه در صفحه ۷

فراخوان مشترک تشکیلات دموکراتیک زنان ایران و لیگای زنان عراق: علیه جنگ و برای صلح

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران و لیگای زنان عراق، در فراخوان مشترکی، ضمن محکوم کردن جنگ تجاوزی دارودسته صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران، خواستار خروج فوری نیروهای عراقی از خاک ایران و حل اختلافات موجود از طریق صلح‌آمیز شده‌اند. این فراخوان که در دسامبر ۱۹۸۰ صادر شده، تازه بلست ما رسیده است، که در زیر عینا به اطلاع خوانندگان گرامی نامه «مردم» میرسد.

دسامبر از شروع جنگ مخرب بین عراق و ایران میگذرد. هر دو کشور تبدیل به صحنه نمایش وحشتناک از مرگ و ویرانی و فاجعه شده‌اند. تعداد قربانیان بیگناه از هر دو خلق، اعم از زن و کودک و افراد سالخورده از هزاران فرونی مییابد. بمبارانها و حملات توسط راکت تشدید شده‌اند. تعداد کثیری از شهرها و روستاها (به خصوص ایرانی) تبدیل به خرابه گشته‌اند. حیاتی‌ترین تولیدگاههای اقتصادی ویران گردیده و شعله‌های آتش هنوز از پالایشگاههای نفتی زبانه میکشند.

در رابطه با این تراژدی که به خلقهای عراق و ایران تحمیل شده‌است، ملاقاتی بین نمایندگان جنبش دموکراتیک زنان، متشکل از تشکیلات دموکراتیک زنان ایران و لیگای زنان عراقی، بمنظور تعمیق دوستی سنتی بین زنان و خلقهای دو کشور همسایه، که بطور مشترک علیه استعمار، فئودالیسم و اختناق مبارزه کرده‌اند، صورت گرفت.

زنان عراقی و ایرانی جنگ تجاوزی را، که رژیم بعثی عراق و دارودسته صدام حسین علیه جمهوری اسلامی جوان ایران برافروخته‌اند، شدیداً محکوم میکنند. این جنگ بخشی از نقشه‌های تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکاست، که هدفی جز خفه کردن انقلاب ایران و دستاوردهای آن و جلوگیری از نفوذ و تأثیر آن بر جنبشهای آزادیبخش منطقه، که متوجه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع است، در سر ندارد. تدارک این ماجراجویی جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا از فردای پیروزی انقلاب ایران آغاز شد. عراق با کمک امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی دیگر به مهمترین مرکز توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. رژیم صدام حسین به ضدانقلاب در کردستان و خوزستان کسکهای فراوانی نموده است. ضدانقلابیون، بقایای رژیم شاه و افسران و مانورین ساواک و فئودالها، که پس از انقلاب به عراق گریخته بودند، در آنجا مصونیت سیاسی بدست آوردند. اینها همه با تشدید تبلیغات دیوانه‌وار شوونیستی رسانه‌های گروهی رسمی عراق علیه انقلاب و خلق ایران همزمان بوده است.

بقیه در صفحه ۷

بر اساس اطلاعیه ۴۱۹ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران: مواضع دشمن در خونین شهر مورد حمله قرار گرفت

نبرد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران علیه تجاوزگران صدامی دیروز نیز ادامه داشت و در این برخوردها تلفات جانی و مالی زیادی به نیروهای عراقی وارد آمد.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اعلامیه ۴۱۹ خود، بخشی از عملیات دلاوران ایرانی را به شرح زیر اعلام کرده است:

مبادله آتش توپخانه بین نیرو - های جانباز اسلام و دشمن متجاوز در تمام مناطق آرون‌رود ادامه داشت و توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران مواضع نیروهای دشمن در مناطق ام‌الرصاص، سبیه، میمان و رومی عراق را زیر آتش قرار داد و تلفات و خساراتی به دشمن وارد کرد، که از میزان آن تاکنون گزارشی نرسیده‌است. در جبهه -

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

بقیه از صفحه ۱ خواستهای عمده در جامعه روستایی ایران

وقتی از رهائی مستضعفان یا زحمتکشان در جامعه ایران از ظلم و ستم طبقات و اقشار وابسته به امپریالیسم سخن می‌گوییم، قبل از همه وضع ناگوار توده‌های زحمتکش دهقانان نظر ما را بخود جلب می‌کند.

واقعیت اینست که محروم‌ترین و رنج‌دیده‌ترین طبقات جامعه ما را توده عظیم دهقانان بدون زمین و کم‌زمین تشکیل می‌دهند. اینان تا همین امروز زیر سلطه مالکیت‌های عمده ارضی، بقایای نظام فئودال - رعیتی و فئودال - ملاکی باقی مانده و از دسترسی به حوائج اولیه زندگی، در مجموع خود، محروم نگاه داشته شده‌اند.

انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی، بدون تأخیر و با کنار گذاشتن همه ملاحظات، باید برپا شود. کردن نظام و مالکیت‌های فئودال - ملاکی، برداشتن هر نوع علائق ارباب - رعیتی، اسارت اقتصادی و اجتماعی دهقانان را لغو و طرد کند و با تأمین آزادی کامل دهقانان از هر نوع ستمی، شخصیت واقعی انسان را، که طی قرن‌ها از زحمتکشان روستا گرفته شده، به آنان ارزانی دارد. در این زمینه باید از ضرورت اجرای هر چه سریع‌تر مصوبه شورای انقلاب، پیوسته پند «چ» سخن گفت، که بحق همه دهقانان زحمتکش در انتظار اجرای آنند. اجرای کامل، دقیق، بدون خدشه و سریع این مصوبه، در سطح تمام روستاهای کشور، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

پایه گفت که، تا زمانی که با اجرای کامل این مصوبه، ستون فقرات رژیم پوسیده فئودال - ملاکی و علائق قرون وسطایی درهم شکسته نشود، خطری بزرگ و جدی انقلاب ایران را تهدید می‌کند. بخطر آوریم که یکی از عمده‌ترین دلائل شکست نهضت ملی‌شدن نفت، ابقاء مالکیت‌های فئودال - ملاکی و رژیم ارباب‌رعیتی در روستاهای ایران بود. امپریالیستها، بویژه امپریالیسم آمریکا و دربار دست‌نشانده پهلوی، از جمله با استفاده از همین وضع بود که به جنبش ملی‌شدن نفت یورش بردند و مدت ربع قرن تمام، اسارت اجتماعی اقتصادی جامعه ما و تسلط مگرگبار نظامی - سیاسی خویش را بر ایران تأمین کردند.

توده دهقانان زحمتکش ایران، امروز در دفاع از انقلاب ایران، شرکت در جبهه جنگ و حمایت از نظام جمهوری اسلامی در جبهه کار و زحمت، آنچنان فداکاریهایی از خود نشان می‌دهند که هیچگاه در تاریخ ایران سابقه نداشته است. انقلاب ایران کمترین پاسخی که به این فداکاریها می‌دهد، و باید بدهد، همان طرد سلطه ملاکین و فئودالها و برداشتن بقایای قیود رژیم ارباب - رعیتی از دست و پای توده دهقانان است.

پیداست که همزمان با اجرای اصلاحات ارضی عمیق در دهات ایران، باید به دهقانان زحمتکش کمک کرد تا با استفاده از کمک دولتی و از راه تشکل در تعاونی‌های تولید، مصرف و فروش روستایی، از یک طرف به تولید عمده مکانیزه و جمعی، که تنها راه پیشرفت کشاورزی است، نائل آیند و از جانب دیگر، از غارت رباخواران، پیلهوران و سلف‌خرها و عوامل واسطه، که از دوسو دهقانان را غارت می‌کنند، رهائی یابند. همچنین باید به توده دهقانان کمک کرد، تا هر چه زودتر به سواد بهداشت و مسکن مناسب دسترسی پیدا کنند و از حداقل رفاه در سطح روستا برخوردار گردند.

روحیه تعاون و همکاری و همیاری در سطح روستای ایران و در بین دهقانان زحمتکش، هیچگاه مانند امروز، در سطحی به معنی واقعی کلمه عظیم و همگانی، وجود نداشته است. این عمده‌ترین عامل در تغییر کیفی در روستای ایران است. باید از آن برای تحولات عمیق اجتماعی - اقتصادی یاری گرفت و بدینسان اکثریت مطلق ساکنان دهات ایران را در جهت دفاع پیگیر و متشکل از انقلاب و تغییر و تحول مطلوب انقلابی در شیوه کار و زندگی و شرکت فعال در تعیین سرنوشت جبهین کرد.

خواستهای عمده در جامعه شهری ایران

اما در جامعه شهری ایران، که بافت مرکب‌تری نسبت به ده دارد، بر آوردن خواستهای طبقات و اقشار زحمتکش و مترقی، انجام فوری یک سلسله اقدامات اساسی را ضرور می‌سازد که، تحقق آنها،

خط اصلی انقلاب، یعنی حمایت از زحمتکشان

شرط اساسی در حمایت از مستضعفین و پیگیری خط اصلی انقلاب است. بافت جامعه شهری ما امروز بطور عمده شامل کارگران، کارمندان، قشر وسیع پیشه‌وران و کسبه و روشنفکران زحمتکش است. این بافت، که بیش از ۸۰ درصد سکنه شهری ایران را دربر می‌گیرد، نیروی عظیم انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی را تشکیل می‌دهد. انقلاب با شرکت فعال این نیروها به پیروزی رسید و در مراحل بعدی تاکنون نیز این نیروها هستند، که با فداکاری و ایثار، استمرار انقلاب و تعمیق آن را تأمین کرده‌اند. فداکاری کارگران، کارمندان، پیشه‌وران و کسبه و روشنفکران زحمتکش در دفاع و پشتیبانی از انقلاب شکوهمند مردم ایران تنها در فعالیت جانبازانه سپاه پاسداران، ارتشیان مومن به انقلاب، کمیته‌های انقلاب، جبهه سازندگی، هیئت‌های هفت‌نفری، نهضت سوادآموزی و ... که از میان مردم زحمتکش برخاسته‌اند، منعکس نیست. فداکاری توده‌های زحمتکش شهری همچنین در کار در کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی و خدماتی، در سازمانهای وسیع آموزشی و خلاصه در همه فعالیت‌های پشت‌جبهه نیز انعکاس دارد که تمام کشور را دربر می‌گیرد. زحمتکشان در شهرها نه فقط چرخ تولید و خدمات را به هواداری صادقانه از انقلاب می‌گردانند، بلکه در صحنه سیاسی و اجتماعی نیز فعالترین نیروهای پشتیبان انقلابند و از یک حرکت به حرکت دیگر، قطعه‌ای از انقلاب عظیم ضدامپریالیستی و خلقی دفاع می‌کنند.

در پشتیبانی بیدریغ زحمتکشان از انقلاب، چه در جبهه جنگ و چه در پشت جبهه، کوچکترین لرزش و فتوری بوجود نیامده و نخواهد آمد. زحمتکشان در شهرها هر روز بیش از روز قبل، به فداکاری بخاطر انقلاب تن می‌دهند. اما باید اعتراف کرد که، فعالیت دولت انقلاب، در دو سالی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، چنانکه باید و شاید پاسخگوی توقعات مردم زحمتکش شهری نبوده و هنوز گامهای لازم و اساسی در این جهت برداشته نشده است. حال آنکه، همانند ده، در شهرهای ایران نیز طبقات زحمتکش جامعه، یعنی اکثریت مطلق مردم، به تحولات اساسی و عمیقی در جهت رهائی خود از ظلم، غارت و استثمار نیاز دارند. همانند روستا، شهر ایران نیز زیر سلطه طبقات، اقشار و عواملی است، که نه فقط با انقلاب سر سازگاری ندارند، بلکه دشمن انقلاباند و بقول معروف، تیشه به ریشه انقلاب می‌زنند.

در بیان گرفتاریهای اقتصادی - اجتماعی سکنه زحمتکش شهری ایران باید بوضوح گفت که، در اینجا نیروی‌هایی همانند نیروی فئودالها و ملاکین در ده لانه کرده، تنها با نامی دیگر و در پوشش اجتماعی - اقتصادی دیگر، شهر ایران، در حالیکه محل زندگی و کار میلیونها زحمتکش، از کارگر و کارمند گرفته، تا پیشه‌ور و کسبه خرده‌پا و روشنفکر زحمتکش است، در همانحال عرصه تاخت و تاز سرمایه‌داران بزرگ و وابسته تجاری، صنعتی و خدماتی، بصورت تاجر بزرگ، عمده‌فروشان، دلالها، واسطه‌ها، صاحبان کارخانه‌های بزرگ و مستغلات بشمار شهری است. در مجموع می‌توان از این اقشار طفیلی و سرباز جامعه انقلابی، بعنوان «فئودالیتة شهری» نام برد، زیرا اینان، منابع درآمد های عظیم و بادآورده‌شان، نه از قبل کار مولد و ثروت‌زا، بلکه از راه تصاحب غارتگرانه درآمد زحمتکشان و مکیدن رمق اقتصاد جامعه مولد ثروت تأمین می‌شود. حربه‌های موثر این قشر طفیلی، که زاده تسلط امپریالیسم و رژیم‌های دست‌نشانده در کشور ماور شد سرمایه‌داری از یکقرن به اینطرف است، عبارتند از گرانی، احتکار، گرانفروشی، دریافت اجاره‌های سنگین مسکن، دلالی کالاهای خارجی در بازار ایران، استثمار زحمتکشان و بهره‌کشی از اقتصاد ملی بسود خود و سرمایه‌های امپریالیستی در زمینه‌های مختلف است.

«فئودالیتة شهری» چیست و چگونه باید آنرا از پا درآورد؟

در دوران پس از پیروزی انقلاب، ضربات مهلکی بریک سرمایه‌داری وابسته، که تجسم کامل ارتجاع اقتصادی - سیاسی در جامعه شهری ایران است، زده شده و سرمایه‌های غارتگر متعلق به طاغوت‌ها در صنایع، بانکها، امور بیمه و واحدهای در رشته‌های دیگر فعالیت اقتصادی، ملی شده و در میان گرتاریهای اقتصادی - اجتماعی سکنه زحمتکش شهری ایران باید بوضوح گفت که، در اینجا نیروی‌هایی همانند نیروی فئودالها و ملاکین در ده لانه کرده، تنها با نامی دیگر و در پوشش اجتماعی - اقتصادی دیگر، شهر ایران، در حالیکه محل زندگی و کار میلیونها زحمتکش، از کارگر و کارمند گرفته، تا پیشه‌ور و کسبه خرده‌پا و روشنفکر زحمتکش است، در همانحال عرصه تاخت و تاز سرمایه‌داران بزرگ و وابسته تجاری، صنعتی و خدماتی، بصورت تاجر بزرگ، عمده‌فروشان، دلالها، واسطه‌ها، صاحبان کارخانه‌های بزرگ و مستغلات بشمار شهری است. در مجموع می‌توان از این اقشار طفیلی و سرباز جامعه انقلابی، بعنوان «فئودالیتة شهری» نام برد، زیرا اینان، منابع درآمد های عظیم و بادآورده‌شان، نه از قبل کار مولد و ثروت‌زا، بلکه از راه تصاحب غارتگرانه درآمد زحمتکشان و مکیدن رمق اقتصاد جامعه مولد ثروت تأمین می‌شود. حربه‌های موثر این قشر طفیلی، که زاده تسلط امپریالیسم و رژیم‌های دست‌نشانده در کشور ماور شد سرمایه‌داری از یکقرن به اینطرف است، عبارتند از گرانی، احتکار، گرانفروشی، دریافت اجاره‌های سنگین مسکن، دلالی کالاهای خارجی در بازار ایران، استثمار زحمتکشان و بهره‌کشی از اقتصاد ملی بسود خود و سرمایه‌های امپریالیستی در زمینه‌های مختلف است.

در دوران پس از پیروزی انقلاب، ضربات مهلکی بریک سرمایه‌داری وابسته، که تجسم کامل ارتجاع اقتصادی - سیاسی در جامعه شهری ایران است، زده شده و سرمایه‌های غارتگر متعلق به طاغوت‌ها در صنایع، بانکها، امور بیمه و واحدهای در رشته‌های دیگر فعالیت اقتصادی، ملی شده و در میان گرتاریهای اقتصادی - اجتماعی سکنه زحمتکش شهری ایران باید بوضوح گفت که، در اینجا نیروی‌هایی همانند نیروی فئودالها و ملاکین در ده لانه کرده، تنها با نامی دیگر و در پوشش اجتماعی - اقتصادی دیگر، شهر ایران، در حالیکه محل زندگی و کار میلیونها زحمتکش، از کارگر و کارمند گرفته، تا پیشه‌ور و کسبه خرده‌پا و روشنفکر زحمتکش است، در همانحال عرصه تاخت و تاز سرمایه‌داران بزرگ و وابسته تجاری، صنعتی و خدماتی، بصورت تاجر بزرگ، عمده‌فروشان، دلالها، واسطه‌ها، صاحبان کارخانه‌های بزرگ و مستغلات بشمار شهری است. در مجموع می‌توان از این اقشار طفیلی و سرباز جامعه انقلابی، بعنوان «فئودالیتة شهری» نام برد، زیرا اینان، منابع درآمد های عظیم و بادآورده‌شان، نه از قبل کار مولد و ثروت‌زا، بلکه از راه تصاحب غارتگرانه درآمد زحمتکشان و مکیدن رمق اقتصاد جامعه مولد ثروت تأمین می‌شود. حربه‌های موثر این قشر طفیلی، که زاده تسلط امپریالیسم و رژیم‌های دست‌نشانده در کشور ماور شد سرمایه‌داری از یکقرن به اینطرف است، عبارتند از گرانی، احتکار، گرانفروشی، دریافت اجاره‌های سنگین مسکن، دلالی کالاهای خارجی در بازار ایران، استثمار زحمتکشان و بهره‌کشی از اقتصاد ملی بسود خود و سرمایه‌های امپریالیستی در زمینه‌های مختلف است.

در دوران پس از پیروزی انقلاب، ضربات مهلکی بریک سرمایه‌داری وابسته، که تجسم کامل ارتجاع اقتصادی - سیاسی در جامعه شهری ایران است، زده شده و سرمایه‌های غارتگر متعلق به طاغوت‌ها در صنایع، بانکها، امور بیمه و واحدهای در رشته‌های دیگر فعالیت اقتصادی، ملی شده و در میان گرتاریهای اقتصادی - اجتماعی سکنه زحمتکش شهری ایران باید بوضوح گفت که، در اینجا نیروی‌هایی همانند نیروی فئودالها و ملاکین در ده لانه کرده، تنها با نامی دیگر و در پوشش اجتماعی - اقتصادی دیگر، شهر ایران، در حالیکه محل زندگی و کار میلیونها زحمتکش، از کارگر و کارمند گرفته، تا پیشه‌ور و کسبه خرده‌پا و روشنفکر زحمتکش است، در همانحال عرصه تاخت و تاز سرمایه‌داران بزرگ و وابسته تجاری، صنعتی و خدماتی، بصورت تاجر بزرگ، عمده‌فروشان، دلالها، واسطه‌ها، صاحبان کارخانه‌های بزرگ و مستغلات بشمار شهری است. در مجموع می‌توان از این اقشار طفیلی و سرباز جامعه انقلابی، بعنوان «فئودالیتة شهری» نام برد، زیرا اینان، منابع درآمد های عظیم و بادآورده‌شان، نه از قبل کار مولد و ثروت‌زا، بلکه از راه تصاحب غارتگرانه درآمد زحمتکشان و مکیدن رمق اقتصاد جامعه مولد ثروت تأمین می‌شود. حربه‌های موثر این قشر طفیلی، که زاده تسلط امپریالیسم و رژیم‌های دست‌نشانده در کشور ماور شد سرمایه‌داری از یکقرن به اینطرف است، عبارتند از گرانی، احتکار، گرانفروشی، دریافت اجاره‌های سنگین مسکن، دلالی کالاهای خارجی در بازار ایران، استثمار زحمتکشان و بهره‌کشی از اقتصاد ملی بسود خود و سرمایه‌های امپریالیستی در زمینه‌های مختلف است.

در اختیار دولت انقلاب قرار گرفته است، لیکن واقعیت این است که به ترکیب سرمایه‌های وابسته در بازرگانی خارجی و داخلی، مالکیت بر مستغلات شهری و نظایر آن دست زده نشده و تا همین امروز امر مالکیت برصدها موسسه بزرگ تولیدی - خدماتی بحالت تعلیق نگاه داشته شده است. در شهری مانند تهران، مردم کم‌شان‌زیر بار اجازه‌های سنگین خم شده است. آذوقه تنها در یک بخش آماربرداری شده شهر، یک نفر صاحب بیش از ۷۰ انشعاب برق، یعنی صاحب ۷۰ واحد مسکونی است!

وقتی در نماز جمعه خطاب به دولت گفته می‌شود که خط اصلی انقلاب باید حمایت از مستضعفین باشد و همه ملاحظات دیگر باید کنار رود، معنی آن اینست که، دولت انقلاب باید به «فئودالیتة شهری» بپردازد و دست تسلط آن را از سر مردم انقلابی کوتاه کند. اما این «فئودالیتة شهری» را بازرگانان و سرمایه‌داران بزرگ وابسته، صاحبان عمده مستغلات و «ارتش» خدماتی آنها، یعنی واسطه‌ها، دلالان و نظایر آن‌ها تشکیل می‌دهند. حربه‌های گرانی، احتکار، گرانفروشی و غارت دست‌ترجیح زحمتکشان که از جان و مال برای حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی مایه می‌گذارند، در دست این اقشار طفیلی است، که اکنون آشکار و پنهان ستون فقرات ضد انقلاب را تشکیل می‌دهند.

اقدام به اجرای ملی‌کردن بازرگانی خارجی، تمرکز ذخایر کالایی در دست دولت، توزیع دولتی و تعاونی خرده‌فروشی کالاهای اساسی، حل مسئله حدود مالکیت مسکن و کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و خدماتی، به نظرم در آوردن بازرگانی داخلی و نظائر این اقدامات، کارهای ضروری و فوری هستند که باید در جهت حمایت از مستضعفین صورت گیرند. در غیر اینصورت، ضدانقلاب با تسلط بر حربه‌های بازرگانی خارجی و داخلی، معوق‌نگاه داشتن مسئله مالکیت بر موسسات بزرگ تولیدی و مستغلات، کاری را که تهاجم نظامی نتوانست انجام دهد، انجام خواهد داد، مردم زحمتکش و مستضعف را به ستوه خواهد آورد و از پیدایش روحیه ناراضی و اعتراض و نومیدی در آنان، برای کشودن راه بازگشت سلطه امپریالیسم و حاکمیت طبقات و اقشار وابسته به امپریالیسم استفاده خواهد کرد.

مشکلات عمومی دامنگیر زندگی زحمتکشان را چگونه باید حل کرد؟

همزمان با تصمیمات قاطعی که در طرد سلطه سرمایه‌داری وابسته در اشکال مختلف آن، چه در بازرگانی، چه در مسکن، چه در امور صنعتی و خدماتی، از سر مردم زحمتکش، باید اتخاذ کرد، دولت انقلاب باید برای کاهش مشکلات عمومی کار و زندگی زحمتکشان شهری و روستایی اقدامات جدی دیگری نیز انجام دهد. رفع بیکاری و ایجاد کار، با پاکرانداختن سریع کلیه واحدهای تولیدی - خدماتی، آموزشی - دانشجویی، در شهر و روستا، از جمله کارهایی است که باید با تمام نیرو به آن پرداخته شود. در جمهوری اسلامی قابل قبول نیست که کار کارخانه و مزرعه‌ای بعلت معلوم نبودن مالکیت، و کار موسسه آموزشی - بهداشتی به بهانه تنظیم برنامه، معوق نگاه داشته شود. دیدن صدها بنای بزرگ نیمه‌تمام، که طبق اطلاع، مجموع آنها در سراسر کشور به سیصد هزار واحد می‌رسد، و یا موسسات تولیدی - خدماتی و پروژه‌های عظیمی که نیمه‌کاره مانده، برای مردم انقلابی رنج آور است، باید توجه داشت که پشت در هر کارخانه بسته، هر بنای نیمه تمام، هر موسسه آموزشی، دستها و افکار آماده بکار و خدمت ایستاده و منتظر دریافت کار و خدمت صادقانه به جمهوری اسلامی ایران هستند.

در جمهوری اسلامی ایران و پس از پیروزی انقلابی به عمق و شکوهمندی انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ما، وقت آنست که همه دستهای آماده، همه افکار صادق انقلابی برای ساختن و آباد کردن، برای ایجاد ثروت‌های مادی - معنوی بکار گرفته شود. رفع بیکاری و ایجاد کار، حمایت جدی از مستضعفین و زحمتکشان است، همچنانکه حمایت از کار و تلاش شبانه‌روزی میلیونها زحمتکشی که شافل کارند، نیز باید مورد توجه دقیق دولت انقلاب باشد. سرمایه در کشور ما همچنان بر تخت

بجمل مسائل ناشی از جنگ و برنامه‌های اقتصادی، از چه زاویه‌ای باید پرداخت؟

جنگ تبهکارانه امپریالیسم جهانی، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، بدست رژیم صدام علیه ایران انقلابی، ویرانی‌های عظیمی در کشور ما بپا آورده است. صدها هزار هموطن ما در اثر جنگ از کار و خانه خود رانده شده‌اند و یکی از زرخیزترین و کارآمدترین استانهای کشور ما به صحنه جنگ بدل شده است. به صنایع نفت و بندرگاهها و خطوط ارتباطی در این منطقه، زیانهای بزرگ وارد آمده است. بار سنگین همه این خرابی‌ها بدوش مردم زحمتکش، اعم از کارگر و کارمند، پیشه‌ور و روشنفکر افتاده است، که ضمن ابراز فداکاری در دفاع از میهن انقلابی با مشکلات عظیمی مواجه شده‌اند. حمایت از مستضعفین، بعنوان خط اصلی انقلاب، از جمله چاره‌اندیشی سریع برای تأمین ساکنان مناطق جنگ‌زده با کار و استفاده از استعدادها و آنان در زمینه‌های مختلف است. بازسازی خرابی‌های جنگ و اسکان رانده‌شدگان از مناطق جنگی، که از مسائل جدی و مهمی است که دولت انقلاب باید به‌شيوه انقلابی به‌حل و فصل آن بپردازد، باید در نظر داشت که مسئله اسکان جنگ‌زدگان و تأمین آنان با غذا و پوشاک و مسکن، بایستی در ارتباط با تأمین کار مناسب و استفاده از این نیروی فعال در تحقق برنامه‌های اقتصادی و پیشرفت تولید صنعتی و کشاورزی و کارهای خدماتی صورت گیرد. تنها در این صورت است که می‌توان به حل بنیادی مسائل مربوط به آوارگان از مناطق جنگی نائل شد.

اما تنظیم و اجرای برنامه‌های اقتصادی متناسب با مرحله کنونی رشد اقتصادی جامعه، که اقتضا دارد احیاء و توسعه صنایع سنگین در مرکز آن قرار گیرد، اقدام موثر دیگری است که تحقق آن، از نظر منافع طبقات زحمتکش، و اصولاً نیل به هدفهای اساسی انقلاب در تأمین استقلال اقتصادی و تحکیم پایه‌های انقلاب، ضرورت حیاتی دارد. مردم در جریان انقلاب عظیم خود، اهمیای عمده اقتصادی و مالی را بدست دولت انقلاب سپرده‌اند، تا دولت این اهمیای را بسود برقراری عدالت اجتماعی به معنی واقعی و وسیع کلمه، که مبتنی بر کاستن فواصل طبقاتی و از میان برداشتن عوامل ظلم، غارت و فساد است، بکار اندازد. حصول نتیجه میسر نخواهد بود مگر آنکه دولت انقلاب برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی متناسب با هدفهای انقلاب ارائه دهد و این برنامه‌ها را سریمایا به اجرا بگذارد. تنظیم برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی کوتاه و درازمدت، که در آنها خط اصلی انقلاب، یعنی خط دفاع از استقلال و منافع مستضعفین انعکاس داشته باشد و اجرای چنین برنامه‌هایی، تنها از نظر حصول نتیجه مثبت در مکانیسم پیچیده تولید و توزیع اجتماعی ضرور نیست. با تصویب و اجرای چنین برنامه‌هایی است که مردم درمی‌یابند که وعده دولت انقلاب در مرحله حرف باقی‌نمانده، بلکه وارد عمل می‌شود و این‌گونه خود موجب اعتماد توده‌های زحمتکش به تأمین خواستهای خود در آینده می‌گردد و آنان را به پشتیبانی جدی‌تر و دفاع سرسخت‌تر از انقلاب و ایستادگی قاطع‌تر در برابر ضدانقلاب تشویق و ترغیب می‌کند.

خط حمایت از زحمتکشان و منافع آنان در انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی مردم ایران، اصلی‌ترین و معتبرترین خط تضمین دفاع انقلاب در برابر هر خطر داخلی و خارجی است. دولت انقلاب باید ملاحظات مختلف راه، که مانع از اجرای این خط است، کنار بگذارد و با قاطعیت در اجرای خط اصلی انقلاب کوشا باشد.

مالکیت در سوسیالیسم

مسئله مالکیت از مسائل اساسی و روز انقلاب ایران است. اهمیت مسئله چنانست که مسئله تعیین حدود مالکیت در دستور کار مجلس شورای اسلامی ایران قرار دارد.

هم اکنون بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز در نخستین کشور سوسیالیسم پیروز جریان دارد، کشوری که مسئله مالکیت را بشیوه سوسیالیستی حل کرده است.

منفذ دانستیم که مسئله مالکیت از نظر سوسیالیسم علمی و چگونگی حل آن در سوسیالیسم واقعا موجود را به اطلاع خوانندگان گرامی برسانیم.

مقدمتا متذکر میشویم که، از نظر ما سوسیالیسم همان نظام اجتماعی است، که در دوران کنونی، در اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی وجود دارد. این نوشته بطور کلی بر پایه بررسی مختصری از وضع موجود این مسئله قرار دارد، نه تحول آن در این ۶۴ سال پس از ایجاد نخستین دولت سوسیالیستی جهان، که این خود موضوعی است جداگانه. در این حال در اینجا اصول عمده‌ای در نظر گرفته شده است، که نسبتا جنبه همگانی و مشترک دارند، نه ویژگیهای خاص بنای سوسیالیسم واقعی در هر یک از کشورهای جداگانه این سیستم نوین جهانی که البته بدون این ویژگیها نیز ساختمان نظام سوسیالیستی میسر نیست.

مالکیت شکل تصاحب نعمت‌های مادی است، که تاریخا مشروط و معین میشود. در این نهاد اجتماعی - اقتصادی مناسبات بین مردم در روند تولید بیان میشود. در شکل‌های گوناگون مالکیت، مناسبات طبقات و گروههای مختلف با وسائل تولید آشکار میگردد. گسترش شکل‌های مالکیت مشروط به گسترش نیروهای مولده است. تغییر شیوه‌های تولید به تغییر شکل‌های مالکیت منجر میشود. در این حال شکلهای گوناگون مالکیت پله‌های مختلف گسترش تقسیم کار را در جامعه بشری نشان میدهد.

در تاریخ جامعه انسانی دو شکل اساسی مالکیت وجود داشته است: مالکیت اجتماعی و مالکیت خصوصی. مالکیت شخصی، یعنی بهره‌برداری از نعمت‌های مادی و معنوی برای زندگی، بر زمینه این دو شکل اساسی صورت میگیرد.

مالکیت اجتماعی ذاتی نظامهای اجتماعی کمون اولیه (در سطح بسیار نازل و ابتدائی نیروهای مولده) و سوسیالیسم (در سطح بالا و رشد یافته نیروهای مولده) است.

مالکیت خصوصی، که با گسترش مبادا به عرصه می‌آید، در نظامهای برده‌داری، ارباب‌سررعی (فئودالیسم) و سرمایه‌داری حاکم است. ضمنا مالکیت خصوصی در هر یک از این سه صورتبندی (فرماسیون) معین اجتماعی نیز مشخصات ویژه خود را دارد، که با هم تفاوتی دارند.

بررسی تاریخ واقعی بشر نشان داده است که، تقسیم جامعه به طبقات، ظهور تخصصات طبقاتی و ملی، مربوط به مالکیت خصوصی است. در ضمن، شکل مالکیت حاکم در هر جامعه منوط به حاکمیت طبقه معین در آن جامعه است. از اینرو نیز، الفای مالکیت خصوصی و شکل جامعه بر پایه مالکیت سوسیالیستی، به معنوی طبقات و از بین رفتن تخصصات طبقاتی و ملی منجر میشود.

از اینجا شروع کنیم که، از نظر سوسیالیسم علمی، مالکیت خصوصی با مالکیت شخصی فرق اساسی دارد. مالکیت شخصی پروا از زندگی، وسائل دفاع شخصی و غیره در اجتماع (کمون) اولیه نیز وجود داشته است. در نظام سوسیالیستی مالکیت شخصی رسما و عملا به بهترین شکل ممکن تأمین و تضمین میشود، اما مالکیت خصوصی بر ابزار و وسائل اساسی تولید لافو (مصادره) میشود و به مالکیت اجتماعی همه خلاق درمی‌آید. مالکیت شخصی بر پایه کار شخصی انسان بوجود می‌آید، نه در نتیجه بهره‌کشی از کار دیگران، یعنی عملکردی که در سوسیالیسم واقعی وجود خارجی ندارد و نمیتواند داشته باشد. از اینرو نیز، در نمونه اتحاد شوروی، می‌بینیم که ماده ۱۳ قانون اساسی، که به تفصیل مالکیت شخصی شهروندان را تعیین و تضمین کرده است، صراحت دارد بر اینکه:

«بنیاد مالکیت شخصی شهروندان اتحاد شوروی درآمد حاصله از کار آنانست.»

و در ماده بعد تأکید میکند که:

«منبع افزایش ثروت اجتماعی و رفاه خاق و هر انسان شوروی عبارتست از کار فارغ از استثمار مردم شوروی.»

گاه‌ها روشن است که بدون چنین مالکیتی، یعنی بدون تصاحب نعمت‌های مادی و معنوی لازم برای زندگی فرد و خانواده (خوراک، پوشاک، مسکن، نیازهای فرهنگی و هنری و غیره) اساسا جامعه بشری نمیتواند وجود داشته باشد. و این همان شکل مالکیتی است که معمولا طرفداران نظریه «فطری بودن مالکیت» با تحریف آن، دانسته یا ندانسته، سرحد بین مالکیت شخصی و مالکیت خصوصی را لوٹ میکنند، تا به هر شیوه‌ای شده «ضرورت طبیعی و دائمی» و «مقدس» مالکیت خصوصی بر ابزار و وسائل عمده تولید را به ثبوت برسانند. در دوران ما، استفاده از این نظریه و این شیوه، رایج‌ترین طریقه دفع از نظام منحل

که «وقتی آقای دورینگ مالکیت امروزی را یک مالکیت قهری مینامد و آنرا شکلی از فرمانروایی معرفی میکند که پایه وجودیش نه تنها محروم ساختن سایر انسانها از مصرف وسایل زیست طبیعی، بلکه از آن مهمتر، انقیاد انسانها برای خدمت بردگی است، باین ترتیب همه مناسبات را وارونه جلوه میدهد.»

و البته جای تعجبی نیست که می‌بینیم، وارونه دیدن این حقیقت مسلم تاریخی به شیوه دورینگ، امروزه کسانی را به چنین نتیجه کلی وارونه‌ای رسانده است که می‌نویسند:

«دروغ است اگر بگوئیم در نظام سرمایه‌داری مالکیت خصوصی وجود دارد.»

و برای اثبات منشاء قهری مالکیت، بجای داستان مشهور دو انسان اولیه دورینگ (روینسون و جمعه)، داستان یکنفر و ۵ نفر را می‌آورند، که گویا در نظام سرمایه‌داری، قدرت‌های مسلط هر لحظه میتوانند مالکیت قدرتهای زیر سلطه را لغو و مصادره کنند. پرا واضح است، که این «استدلال» منشاء ایجاد مالکیت رایان نمیکند، زیرا قدرت‌های مسلط درست بهمان سبب مسلطاند و میتوانند مالکیت قدرتهای زیر سلطه را لغو کنند، که به نحوی از انحاء در مالکیت خصوصی بروسایل اساسی تولید توانگرتر اند.

از قدیمترین ازمه تاریخی بین جویندگان عدالت اجتماعی، اندیشمندانی (در اقلیت) بوده‌اند، که الفای مالکیت خصوصی و تبدیل آن به مالکیت اجتماعی را پیشنهاد میکردند (و اغلب سرخود را در این راه گذاشته‌اند). میان اکثریتی که مالکیت خصوصی را «برخاسته از فطرت طبیعی انسان»، «ضرورت دائمی جامعه بشری» و «مقدس» شمرده، با الفای آن مخالفت کرده‌اند نیز در گذشته متفکرینی ساده‌اندیش نیز دیده شده‌اند. اما بین مخالفین قدیمی لغو مالکیت خصوصی بروسایل اساسی تولید و «منقدین» امروزی سوسیالیسم علمی، که مفهوم مالکیت را بقدری گسترش میدهند، که با جذب و تحلیل بردن غذا، آب و هوا (میکند شیر مادر توسط نوزاد - نگاه کنید به روزنامه کیهان، ۶ دیماه ۵۹) یکی میشود، فرق اساسی وجود دارد. منقدین امروزی سوسیالیسم علمی حاضراند کلیه مرزهای همه پدیده‌ها و تمام حدود همه مفاهیم را لوٹ کنند و از این ببردند تا یک چیز را از زوایا تاریخی واضع‌الحال قطعی نجات دهند - نظام منحل کلان سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی را.

مالکیت اجتماعی (سوسیالیستی) بروسایل اساسی تولید، بنیاد سیستم اقتصادی جامعه سوسیالیستی را تشکیل میدهد. اقتصادیات در سوسیالیسم واقعی، مجموعه (کلیکی) اقتصاد ملی واحدی است، که همه رشته‌های تولید اجتماعی، توزیع و مبادله را در سراسر کشور دربر میگیرد. در این نظام اجتماعی، وحدت مالکیت سوسیالیستی، اساس وحدت اقتصاد ملی (خلفی) را تشکیل میدهد. این شکل مالکیت است که اداره امور را بر پایه برنامه (نقشه) جامع دولتی رشد اقتصادی و اجتماعی به مقیاس سراسر کشور میسر می‌آورد. مالکیت سوسیالیستی به دولت امکان میدهد که در تهیه برنامه‌های (کوتاه مدت و دراز مدت) دولتی به خصوصیات هر رشته تولیدی و هر منطقه کشور توجه لازم و مشخص معطوف دارد، در عین حال اداره امور از مرکز واحد را، با استقلال اقتصادی و ابتکار مدیریت موسسات و نواحی مختلف (بنیادها، بنگاهها و مجتمع‌ها) توأم سازد، از اصول اقتصادی، نظیر اصل دخل و خرج، اصل سودآوری، میزان بهای تمام شده کالا و دیگر انگیزه‌ها و اهرم‌های اقتصادی بطور تریبخشی استفاده کند.

سوسیالیسم علمی از مالکیت تنها به شیوه‌ای انتزاعی، مجرد و کلی بحث نمیکند، بلکه شکلهای موضوعی، حدود و نفوذ آنرا معین و مشخص میکند، اصول عمده آنرا در قانون اساسی کشور اعلام و فروغ جزئی آنرا در قوانین تفصیلی مربوطه تعیین و تدوین میکند.

مالکیت واحد سوسیالیستی بر ابزار و وسائل عمده تولید به شکل‌های گوناگون تحقق مییابد.

در سوسیالیسم رشد یافته - نمونه اتحاد شوروی - دو شکل این مالکیت مشخص شده است: «مالکیت دولتی (همه خلقی) و مالکیت کلخوزی و تعاونی» (ماده ۱۰ قانون اساسی).

در سوسیالیسم رشد یافته، که همه قدرت دولتی از آن خاق است، وظیفه حراست از مالکیت سوسیالیستی و تهیه شرایط لازم برای افزایش آن نیز بمعهده دولت است.

مالکیت دولتی، که دارای عمومی همه خلق است، شکل اساسی مالکیت سوسیالیستی محسوب میشود. در این نظام اجتماعی، زمین، ذخایر زیرزمینی، آب و جنگل در تملک منحصرا دولت است. وسائل اساسی تولید در صنایع، ساختمان، کشاورزی، وسایل ترابری و ارتباط، بانکها، دارای موسسات بازرگانی و بنیادهای عام‌المنفعه شهرداری، دیگر موسسات، بنگاهها و

سرمایه‌داریست، که بر پایه مالکیت خصوصی بروسایل تولید و بهره‌کشی از کار دیگران قرار دارد.

اما سوسیالیسم علمی مالکیت شخصی را تنها در چارچوب تنگ «اشیاء مورد استفاده روزمره، اشیاء لازم برای مصرف شخصی، یک‌خانه مسکونی و غیره» محدود نمیکند. انسان پیشرفته جامعه مترقی، علاوه بر کار اصلی اجتماعا سودمند (در تولید اجتماعی نعمت‌های مادی و معنوی) و به‌عنوان این کار اصلی، در عین حال نیازمند رفاه شخصی و خانوادگی (بهره‌برداری گسترده از نعمت‌های مادی و معنوی) و پرداختن به کارهای فرعی (تولیدی، فرهنگی، هنری، ورزشی، تفریحی و غیره) نیز هست، که این نیز به نوبه خود، هم‌پس‌اندازهای شخصی معینی را بوجود می‌آورد. از اینرو مشاهده میکنیم که مثلا قانون اساسی اتحاد شوروی «اشیاء لازم برای رفاه و اشتغال فرعی و پس‌اندازهای حاصله از کار» را رسما جزء «مالکیت شخصی شهروندان» شمرده و به‌صراحت و قاطعیت در پناه مقدر «حمايت دولت» قرار داده است.

سوسیالیسم واقعی برای «اشتغال فرعی» جهت تأمین رفاه هر چه بیشتر شهروندان و «بهره‌برداری فرعی» (از آنجمله برای باغداری و جالیزکاری، تربیت طیور و دامداری، ساختن ویلای شخصی، علاوه بر خانه مسکونی و غیره) به ترتیب و میزانی که در قانون به دقت مقرر میشود (برحسب مشخصات گوناگون نواحی مختلف میتواند متفاوت باشد) قطعه زمین‌هایی برای استفاده در اختیار شهروندان قرار میدهد. در عین حال سوسیالیسم رشد یافته، هم شهروندان را موظف می‌سازد، تا از قطعه زمین‌هایی که به آنها واگذار شده، به شیوه معقول و ثمربخشی بهره‌گیرند، و هم دولت و تعاونیها (کلخوزها) را موظف می‌سازد، تا شهروندان را در امر بهره‌برداری فرعی و استفاده ثمربخشی، مطابق موازین علمی و فنی معاصر، از این قطعه زمین‌ها، یاری دهند. در نمونه اتحاد شوروی، قانون اساسی در ماده جداگانه‌ای (۴۴) دولت سوسیالیستی را موظف به «کمک به خانه‌سازی تعاونی و انفرادی» شهروندان نیز کرده است.

علاق و والای انسانی در پیوند مقدس خانوادگی حکم میکند که، ثمره کار و کوشش انسان، پس‌از او، پیش از هر کسی دیگر در اختیار بستگانش قرار گیرد. اینست که سوسیالیسم علمی حقوق وراثت در مالکیت شخصی را محترم می‌شمارد و تضمین و تأمین میکند. ماده ۱۳ قانون اساسی اتحاد شوروی رسما اعلام کرده است که:

«مالکیت شخصی شهروندان و حق وراثت بر آن مورد حمایت دولت است.»

ضمنا انتقال ارث در سوسیالیسم واقعی، برخلاف نظام‌های دیگر اجتماعی، از مالیات و عوارض معاف است.

به یک کلام، آنچه در سوسیالیسم واقعی اهمیت بنیادی دارد آنست که، دارای‌هایی که در مالکیت شخصی اعضای جامعه قرار دارند، یا برای استفاده در اختیار آنهاست، بهیچوجه نباید برای بدست آوردن درآمدهایی که حاصل کار خودشان نیست (یعنی برای بهره‌کشی از کار دیگران) و یا به منافع جامعه لطمه می‌زند (مثلا تولید مواد مخدر) مورد استفاده قرار گیرد. مالکیت خصوصی را سوسیالیسم علمی مسردود میداند و برسمیت نمیشناسد. الفای مالکیت خصوصی بر ابزار و وسائل عمده تولید از نخستین اصول بنیادی سوسیالیسم است که، بدون آن، اساسا این نظام اجتماعی امکان‌پذیر نیست، زیرا سوسیالیسم، که نظام مشخصی (و نه مجرد یا کلی) عدالت اجتماعی واقعی (و نه فرضی یا توهمی) است، نمیتواند با استثمار فرد از فرد سازگار باشد. دانش جامعه‌شناسی پیشرو به ثبوت رسانده است که لغو بهره‌کشی انسان از انسان، تنها در سایه الفای مالکیت خصوصی بروسایل اساسی تولید و تبدیل آن به مالکیت اجتماعی همه خاق میسر است.

برخلاف ادعای کهنه و نادرست دایر بر اینکه گویا قدرت، قهر و زور منشاء و موجد مالکیت خصوصی بروسایل تولید است، بررسی تاریخ واقعی جامعه نشان‌دهنده و دانش جامعه‌شناسی پیشرومدهاست به ثبوت رسانده، که پیدایش مالکیت خصوصی تنها در مرحله معینی از تکامل تاریخی جامعه بشری، بر زمینه گسترش شیوه تولید، در ارتباط مستقیم با پیشرفت ابزار و وسائل تولید و در نتیجه ایجاد محصول اضافی (اضافه تولید) میسر و عملی است. در حقیقت این مالکیت خصوصی بر ابزار و وسائل اساسی تولید است، که منشاء واقعی قدرت، قهر و زور است، نه برعکس. «قهر» هر چند دارای را جابجا میکند، ولی نمیتواند مالکیت خصوصی را فریفته ایجاد کند. عبارت دیگر، قهر و قدرت، مالکیت به‌مثابه یک نهاد اجتماعی - اقتصادی را ایجاد نمیکند، بلکه از دستی به دست دیگر منتقل میکنند. پیش از صدسال پیش انگلس بروشنی نشان داد

بنیادهایی که توسط دولت پی‌ریزی و سازمان داده میشود، بخش اساسی مسکن شهری، جزء دارای عمومی همه خلق و متعلق به دولت سوسیالیستی است. مالکیت کلخوزی و تعاونی، مالکیت جمعی گروه‌های داوطلب است. مالکیت کلخوزها، دیگر سازمانهای تعاونی و مجتمع‌های مربوطه به آنها عبارتست از وسائل تولید و دیگر دارای‌هایی که برای انجام وظایف مقرر در اساسنامه‌های آنها لازم است. زمین برای استفاده به رایگان و به مدت نامحدود از طرف دولت در اختیار کلخوزها قرار داده میشود و به نام آنها به ثبت میرسد.

سوسیالیسم انواع فعالیت‌های تعاونی (در تولید، توزیع و مبادله)، بنیادهای اجتماعی (تعاونی) مصرف، دیگر بنگاهها، سازمانها و نهادهای اجتماعی (تعاونی) و همیاری در گسترده‌های مختلف خدمات به اهالی را تمویق میکند، با قراردادن کلیه امکانات لازم مادی و معنوی در اختیارشان، به آنها عملا کمک مینماید.

بدین ترتیب، در سوسیالیسم رشد یافته، مالکیت کلخوزی و تعاونی از طریق رشد و گسترش، و نه از راه تحدید و براندازی، رفته‌رفته به مالکیت دولتی نزدیک میشود.

برخلاف ادعا و تصور بعضی «منقدین» سوسیالیسم علمی، در این نظام اجتماعی «کار انفرادی» (که اغلب آنرا «کار آزاد»، «شغل آزاد» و غیره مینامند) منع و قذف نمیشود و ازین نیرو، برعکس، در گسترده‌های صناعت بدنی، کشاورزی، خدمات به اهالی، گنوه‌های مختلف فعالیت خلاقه ادبی، هنری، علمی و غیره، کار انفرادی ارجحی پس‌بزرگ دارد. در همه اینگونه موارد، یگانگی شرط اساسی نقض نشدنی آنست که کار انفرادی «صرفا مبتنی بر کار شخصی شهروندان و اعضای خانواده‌های آنان» باشد. سوسیالیسم رشد یافته چنین کار انفرادی را نه فقط منع و قذف نمیکند و رسما مجاز می‌شمرند، بلکه دولت را موظف می‌سازد که از طریق تنظیم آن و فراهم کردن موجبات استفاده از آن به سود جامعه، به کار انفرادی کمک و مساعدت کند.

بسیاری از «منقدین» سوسیالیسم علمی چنین تصور یا قلمداد میکنند که، مقصد اصلی از افزایش مالکیت سوسیالیستی و گسترش تولید و رشد اقتصادیات در این نظام اجتماعی، گویا «تنها تحکیم قدرت مادی»، «تولید بخاطر تولید»، «تمرکز و تکثیر زور و قدرت» و نظایر اینهاست. در صورتیکه مقصد اصلی افزایش هدفمند، هماهنگ و طبق برنامه مالکیت سوسیالیستی، همانا رفع بوقوع و هر چه نیکوتر نیازمندیهای روزافزون مادی و معنوی مردم است. مثلا، در نمونه اتحاد شوروی، اگر طبق نقشه رشد اقتصادی و اجتماعی کشور، تولید وسائل تولید در سال ۱۹۸۱ نسبت به سال پیش ۱۶ درصد افزایش خواهد یافت، تولید اشیاء مصرفی به اندازه ۳۰ درصد افزوده میشود. این ترتیب، یعنی شتاب بیشتر افزایش تولید اشیاء مصرفی نسبت به افزایش تولید وسائل تولید در نقشه پنجاه و یکم (۱۹۸۵) - ادعای اینگونه «منقدین»، سوسیالیسم علمی بهیچوجه نیازمندیهای انسان را به چارچوب تنگ «مادیات» محدود نمیکند. در همه آثار سوسیالیسم علمی، از جمله در عالیترین سند حقوقی سوسیالیسم رشد یافته واقعی، یعنی قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، این نیازمندیها (و نعمت‌ها) همیشه و به تکرار به دو گروه مشخص عمده، یعنی نیازها (و نعمت‌ها) مادی و نیازها (و نعمت‌ها) معنوی، تقسیم و روی ضرورت و طرق مشخص ارضای هر چه کاملتر هر دو گروه نیازمندیهای مادی و معنوی تأکید شده است. در نمونه اتحاد شوروی، ماده ۱۵ قانون اساسی به‌صراحت اعلام کرده است که:

«هدف والای تولید اجتماعی در سوسیالیسم عبارتست از ارضای هر چه کاملتر نیازمندیهای روزافزون مادی و معنوی مردم.»

در نظام سوسیالیستی، کار اجتماعا سودمند نه فقط اساس مالکیت شخصی و اجتماعی، مولد ارزش‌های مادی و معنوی، مبنای واقعی فعالیت گسترده و همه‌جانبه اعضای جامعه است، بلکه در عین حال معیار مشخصی قدر و منزلت والای انسان در جامعه است. مثلا ماده ۱۴ قانون اساسی اتحاد شوروی «کار اجتماعا سودمند و نتایج آن» را رسما «تعیین‌کننده منزلت انسان در جامعه» اعلام کرده است. و چون نظام سوسیالیستی بهیچوجه نمی‌تواند نسبت به سرنوشت یک یک اعضای جامعه بی‌تفاوت باشد، دولت را موظف میکند که از طریق «درآمیختن انگیزه‌های مادی و معنوی، تمویق نوآوری، برخورد خلاق به کار» موجبات لازم برای «تبدیل کار به نخستین نیاز حیاتی هر انسان» را فراهم سازد.

بر بنیاد تزلزل‌ناپذیر مالکیت اجتماعی بر وسایل اساسی تولید است که سوسیالیسم واقعی می‌تواند مثلا سیستم واحد آموزش همگانی را پی‌ریزی و پیاده کند، برای پرورش انسان نو، «رشد معنوی و جسمانی جوانان» را تأمین نماید، پیشرفت منظم علوم و فنون، تهیه کارشناسان در سطح عالی، ترویج دستاوردهای پیشرو اندیشه آفریننده بشری و کاربرد نتایج گرانبهای پژوهشهای علمی را در همه پهنه‌های زندگی سازمان دهد.

درباره کارخانه چرم سازی «رودبار» و «گروه صنعتی ملی»

گذری بر کارخانه چرم «رودبار»

کارخانه‌های متعدد گروه صنعتی ملی (کفش ملی) است. این کارخانه در سال ۱۳۵۰ تأسیس شد و از سال ۱۳۵۱ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. تعداد کارگران کارخانه در سال ۲۱۵،۵۶ نفر بود. این تعداد در سال ۵۸ به ۲۱۱ نفر تقلیل یافت. در حال حاضر تعداد کارگران ۲۲۵ نفر است و مجموعاً ۳۰ نفر در کارهای فنی و اداری کارخانه کار میکنند. محصول کارخانه چرم رودبار، انواع چرم رویه و آستری بزی برای ساختن کفش است، که به چرم "شورو" معروف است. همچنین مقدار کمی چرم رویه و آستری گوسفندی در این کارخانه تولید می‌شود. حدود پنجاه درصد محصول کارخانه چرم رودبار در کارخانجات کفش سازی گروه صنعتی ملی مصرف می‌شود و پنجاه درصد دیگر آن در بازار به فروش می‌رسد.

توطئه و کارشکنی بزرگ سرمایه‌داران برای کاهش کارخانه

در زمان طاغوت، خریدار انحصاری انواع چرم کارخانجات گروه صنعتی ملی، از طریق بندو بست با "ایروانی" (صاحب فراری گروه صنعتی ملی) یکی از تجاربزرگ بازار شد که از این راه ثروت هنگفتی فراهم کرد. این شخص پس از انقلاب نیز همچنان در پی حفظ روابط گذشته و غارت دسترنج کارگران و اموال عمومی بود. ولی خوشبختانه هیئت مدیره در این مورد تدابیر لازم را اتخاذ کرد و قرار بر این شد که محصول کارخانه در اختیار خریداران مختلف و بطور عمده صنف کفشان قرار بگیرد. ولی متأسفانه در مورد فروش چرم تاکنون موفقیت چندانی بدست نیامده است و علت عمده آن نیز کارشکنی‌ها و توطئه‌های تاجر مذکور است. این شخص بطلت موجودی زیادی که در انبار دارد و با تکیه بر قدرت مالی خود، همیشه موفق شده است از طریق دمپینگ (قیمت شکنی - فروش کالا کمتر از قیمت خرید برای از میان برداشتن رقبا) تجار دیگر بازار را از خرید محصولات گروه صنعتی ملی منصرف کند. وی در جریان انقلاب موفق شد که مقدار زیادی ارز از کشور خارج کند و اقدام به وارد کردن غیرقانونی چرم ارزان قیمت از کشورهای هند و کره جنوبی نماید. همچنین گروهی از تجاربزرگ بازار، در جریان انقلاب، با صدور "سالامبور" (پوست دباغی شده) به خارج از کشور و حساب سازی و فاکتورسازی، موفق به خارج کردن مقدار قابل توجهی ارز از کشور شدند. علاوه بر اینکار، با ایجاد کمبود مصنوعی پوست، باعث افزایش قیمت آن شدند. بطوری که قیمت پوست از هر جلد ۱۳۰ ریال در سال ۵۷، به هر جلد تا ۳۰۰ ریال در سال ۵۸ افزایش یافت.

این امر، همراه با واردات غیر قانونی چرم و افزایش هزینه خرید مواد شیمیایی و عدم امکان رقابت با محصولات وارداتی، لطمه فراوانی به فروش چرم کارخانجات گروه صنعتی ملی وارد کرد.

اخلال در امر تولید توسط هیئت مدیره طاغوتی و کاهش تولید

علاوه بر این کارشکنی‌ها، مدیران طاغوتی گروه صنعتی ملی نیز، پس از انقلاب هنوز در پست‌های خود با برجا بودند، لطمه‌های فراوانی به بازسازی و حفظ خط تولید و فروش کارخانجات وارد کردند.

کارخانه چرم رودبار تحت تاثیر

است که با اقدامات صحیح و اصولی، از اقدام‌های خرابکارانه جلوگیری کند. می‌توان در بازارهای داخلی قیمت کالاها را تثبیت کرد و دست تجاربزرگ را از کنترل قیمت‌ها کوتاه کرد. در نمونه چرم سازی رودبار، فروش و عرضه این کالا می‌تواند از طریق اتحادیه‌ها صورت گیرد. در مورد تجاربزرگ چرم نیز می‌توان اموال آنها را مصادره کرد و از اقدامات خرابکارانه و کارشکنی‌هایشان، که علیه انقلاب و دستاوردهای آن صورت می‌گیرد، جلوگیری کرد.

مشکل دیگر کارخانه چرم سازی رودبار کمبود وسایل یدکی ماشین-آلات است. این وسایل را می‌توان از کشورهای دوست و پشتیبان انقلاب ایران، که در این زمینه تجربه و

استخدام شناسنامه، برگ پایان خدمت و مدارک تحصیلی افراد را پیش خود نگه میداشتند، و چنانچه کسی احتیاجی به این مدارک پیدا می‌کرد، برای مدت کوتاهی آنرا در اختیار می‌دادند و دوباره پس می‌گرفتند.

با پیروزی انقلاب، ایروانی از کشور گریخت و گروه صنعتی ملی زیر پوشش صنایع ملی شده درآمد. با این حال پس از فرار ایروانی بسیاری از وابستگان و همکاران نزدیک وی در سطوح مختلف در گروه مشغول کار بودند و ادامه کار آنها لطمه‌های جدی بر فعالیت‌های گروه وارد کرد.

گروه صنعتی ملی، با تعداد عظیم کارگران و کارمندان آن، یکی از بزرگ‌ترین مراکز تولیدی کشور است که می‌تواند مورد بهره‌برداری وسیع قرار گیرد.

✦ برای پیشبرد کار در مراکز تولیدی و کارخانه‌ها، داشتن قاطعیت، برنامه‌ریزی صحیح، رفع انتباهات و عبرت گرفتن از آن و جلوگیری از فعالیت ضد انقلاب ضروری است. ✦ در گروه «صنعتی ملی» عناصر وابسته به رژیم طاغوت را، که در حال حاضر به خرابکاری و توطئه مشغولند، پاکسازی کنید. ✦ تأمین خواست‌های برحق کارگران یعنی تقویت مبانی انقلاب.

این گروه علاوه بر تأمین مایحتاج داخلی کشور، امکان این را دارد که بتواند محصولات خود را به خارج از کشور نیز صادر کند. این مراکز را باید هر چه فعال‌تر کرد و امکانات آن را گسترش داد.

البته این کار با سهل انگاری و سستی و سرپوش گذاشتن بر اشتباهات و نادیده گرفتن آن‌ها نمی‌تواند صورت گیرد. لازمه چنین کاری داشتن قاطعیت، برنامه‌ریزی صحیح، عبرت گرفتن از اشتباهات گذشته و رفع آنها، و جلوگیری از فعالیت خرابکارانه عناصر وابسته به طاغوت است، چیزی که متأسفانه کمتر در گروه صنعتی ملی بچشم می‌خورد.

استخدام افراد وابسته به طاغوت و پاکسازی شده دیگر شرکتها

مدیران جدیدی که پس از انقلاب توسط هیئت مدیره دولتی برگزیده شدند، از وابستگان رژیم سابق و افراد پاکسازی شده دستگاه‌های دولتی بودند و این مسئله باعث نارضایتی و اعتراض کارگران شده بود.

دراثر اعتراض شدید کارگران، تاکنون چند تن از مدیران اخراج شده‌اند.

متأسفانه تاکنون به مسئله مدیریت در کشور ما کم‌بها داده شده است. درست نیست که هرآنچه شده‌اند جاهای دیگر را به عنوان مدیر گروه یا کارخانه تعیین کرد و یا هر ضدانقلابی و وابسته به نظام طاغوت را به این کارگمارد. مدیریت هر کارخانه و مرکز تولیدی باید کارگران فعال و آگاه باشد، چیزی که در مدیران گروه صنعتی ملی دیده نمی‌شود. در این گروه کسانی براس کارها قرار گرفته بودند که علاوه بر نداشتن کاردانی و فعالیت لازم، با خرابکاری‌های خود به انقلاب و دستاوردهای آن لطمه می‌زدند. آنها از جمله در بین کارگران دست به تبلیغات زده و به فحاشی و ناسزاگویی

امکانات فراوانی دارند، تهیه کرد.

درباره «گروه صنعتی ملی»

گروه صنعتی ملی، با بیش از صد شرکت تولیدی و بازرگانی، به تولید انواع چرم، کفش، پوشاک، مواد مورد احتیاج کفش، چون چسب، تخت، لاستیک، کاتوچو، پلاستیک و بسیاری دیگر از محصولات روزمره می‌پردازد. این گروه در شهرهای مختلف، از جمله تهران، تبریز، مشهد، شیراز، گیلان و لرستان شعباتی دارد. در این گروه قریب ۱۳ هزار کارگر و کارمند کار می‌کنند و تولید سالیانه آن نیز متجاوز از ۳۵ میلیون کفش است.

گروه صنعتی ملی، قبل از انقلاب متعلق به یکی از بزرگ سرمایه‌داران ایران بنام "محمد رحیم متقی ایروانی" بود. وی قبل از انقلاب و در فاصله کمتر از بیست سال، با نزدیکی با دربار و ساواک و با زمین‌خواری و غارت مردم و تماس با عوامل آمریکا، چون "هلمرز" رئیس سابق سازمان "سیا" و سفیر سابق آمریکا در ایران، توانست کارگاه خود را در سرآسیاب مهرآباد توسعه دهد و گروه صنعتی ملی را بوجود آورد.

اقدامات ضد کارگری «ایروانی»

ایروانی از طریق ارتباط نزدیکی که با ساواک و دربار داشت، حتی قوانین کارگری زمان طاغوت را بدون کمترین واهمه زیر پای می‌گذاشت و شدیدترین فشارها را به کارگران وارد می‌آورد.

ایروانی و دستیارانش از هیچ‌گونه اهانتی به کارگران و کارمندان دریغ نمی‌کردند. برای اینکه کسی بدون رضایت آنها استعفا ندهد، در موقع

عوامل مختلف، از جمله منشا ایروالی هیئت مدیره دولتی و کارشکنی‌های افراد داخل و خارج گروه صنعتی ملی، لطمه‌های فراوانی را متحمل شده، از جمله تولید و فروش آن کاهش یافته است. علاوه بر این، حدود ۵/۱ میلیون فوت مربع چرم نیم ساخته و ساخته شده، تولید شده در سالهای ۵۸ و ۵۹، تاکنون بدون فروش باقی مانده است. کارخانه چرم رودبار از نظر خرید پوست بز و گوسفند، از آنجا که منابع تهیه آن داخلی است، مشکل چندانی ندارد. ولی کمبود لوازم یدکی ماشین‌آلات و تأمین آنها مشکلات زیادی را فراهم کرده است.

پس از پیروزی انقلاب کارشکنی‌ها و توطئه‌ها در بسیاری از زمینه‌ها دیده می‌شود. برای جلوگیری از این توطئه‌ها، پس از پیروزی انقلاب، دولت می‌بایستی امر تولید و فروش محصولات مراکز تولیدی ملی شده را در اختیار می‌گرفت و با تثبیت قیمت‌ها و فروش محصول کارخانه‌ها از طریق اتحادیه‌ها و فروشگاههای تعاونی، از چنین اقدامات خرابکارانه‌ای جلوگیری می‌کرد و از ورود کالاهایی که در داخل کشور تولید می‌شود، ممانعت به عمل می‌آورد.

اما سیاست دولت "گام به گام" این نبود و نمی‌توانست باشد، زیرا می‌خواست منافع بزرگ سرمایه‌داران را تأمین کند. به همین دلیل هیچ اقدامی در جهت پیشرفت و گسترش امکانات موجود در داخل کشور برای تأمین ضروریات جامعه و خارج نکردن ارز نکرد. نمونه خرابکاریها در این زمینه کم شدن تولید کارخانه چرم رودبار است، کارخانه‌ای که با امکانات عظیم خود، علاوه بر تأمین گروه صنعتی ملی می‌تواند مقدار قابل توجهی از مایحتاج دیگر کارخانه‌ها و کارگاه‌های کشور را تأمین کند. در حال حاضر این وظیفه دولت

علیه انقلاب می‌پرداختند. تغییر هیئت مدیره گروه صنعتی ملی

روز چهارشنبه ۱۱/۱۱/۱۳۵۹، اعلام شده هیئت مدیره دولتی گروه صنعتی کفش ملی تغییر کرده است. بدنبال این خبر دکتر صادق تهرانی عضو شورای سازمان صنایع ملی در محل کارخانجات این گروه حضور یافت و اعضا هیئت مدیره جدید را به کارگران و کارمندان معرفی کرد.

دکتر "صادق تهرانی" طی بیاناتی که در جمع کارگران و کارمندان ابراز داشت از جمله گفت:

"ما باید با سعی و کوشش هر چه بیشتر جلوی اخلال و خرابکاری را در کارخانه‌ها بگیریم. در حکومت مستضعفان که بعد از انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن ۵۷ در ایران مستقر گردید، هدف این نیست که از روی ترحم و دلسوزی بخواهیم برای کارگران نان و مسکن فراهم آوریم. هدف این است که حکومت به دست مستضعفان و کارگران باشد. آنها مقدرات کشور را بدست بگیرند و تولید را افزایش دهند."

پس از بیانات وی آقای "روحی" به نمایندگی از طرف شورای مرکزی کارکنان کفش ملی بیاناتی ابراز داشت. وی در بیان بیانات خود خواست‌های کارگران را نیز بدین شرح اعلام کرد:

— تعیین تکلیف قطعی وضع مالکیت "کفش ملی".
— مشارکت شوراهای در حل و فصل مسائل.
— اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در زمینه ملی شدن بازرگانی خارجی.

— هر چه فعال تر کردن شرکت تعاونی مصرف کارگران.
— اخراج بازنشستگان شاغل.
— اخراج عوامل رژیم سابق که از ادارات و شرکت‌های دیگر تصفیه و پاکسازی و با باز خرید شده‌اند و اکنون با دستمزدهای گزاف در کفش ملی مشغول بکارند.

— اخراج افرادی که عملاً کار مثبتی انجام نمی‌دهند و دستمزدهای گزاف دریافت می‌کنند.
— اخراج کلیه عوامل وابسته به "ایروانی" که هنوز در گروه مشغول بکار هستند و از هیچ‌گونه خرابکاری و کارشکنی خودداری نمی‌کنند.

— تعدیل حقوق‌ها و حقوق‌های بالا.
— خواست‌های کارگران قانونی است و حق دارند این خواست‌ها را بدست آورند. بر آوردن این خواست‌ها عملی است، و نه تنها هیچ مفایرتی با منافع انقلاب ندارد، بلکه در جهت تحکیم آن است.

کشور ما در راه قطع وابستگی گام برمی‌دارد و برای نیل به این هدف باید تمام امکانات خود را برای تولید بیشتر و تأمین ضروریات جامعه بکارگیرد، و هرآنچه که در مقابل انقلاب قرار می‌گیرد قطعاً مبارزه کند.

امید است که با انتخاب روش‌ها و وسایل صحیح، و بکارگیری تمام امکانات موجود و گسترش آن، در راه رفع کمبودها و مشکلات و تأمین خواست‌های کارگران گام‌های اساسی برداشته شود.

داشتند و تمام خواست‌های آنها عبارت از خواست‌های مالی بوده است که آنها هم کم و بیش اجرا گردیده‌اند.

آیا با گذر مدیریت کارخانه‌ای که قصد تعطیل داشته باشد سعی در پرداخت دیون خود به دولت و اشخاص را می‌کند؟ آیا کارخانه‌ای که قصد تعطیل داشته باشد در شش ماه گذشته ۱۴ کارگر جدید استخدام می‌نماید؟

آیا کارخانه‌ای که قصد تعطیل داشته باشد قراردادهای طویل‌مدت امضا می‌نماید؟
آیا در مورد خواست‌های کارگران: (۱) ملی کردن یک کارخانه باید طبق ضوابط مصوب و مصالح مملکتی صورت گیرد نه به درخواست این و آن، مقامات مربوطه و ولنی وضع این کارخانه بقیه در صفحه ۶

شرکت ایران سویچ به نامه «مردم» پاسخ می‌دهد

عامل که ارتباطی با نظم تولید ندارد نصب شده بود.
— عکاس‌های سوادآموزی با موافقت مدیریت از ساعت ۷ الی ۸ صبح هفته‌ای سه روز تشکیل می‌شد و کلاس‌های بسیج نظامی بعد از ظهرها از ساعت ۱۴ به بعد که تداخلي در یکدیگر نداشتند. اند که سوادآموزی بسود بسیج تعطیل گردد. تذکر این نکته ضروری است این کلاس‌ها از طرف اعضا شورا سابق و بدون مشورت با مدیریت تعطیل گردیده است. — شورا سابق این کارخانه اصرار در دخالت در مدیریت (نظارت مورد موافقتشان نبود) بدون قبول مسئولیت

صحيح بنظر نمی‌رسید و مدیریت تصمیم گرفت که فقط به کارگران شاخص از نظر کوشائی و نظم آن هم به پیشنهاد سرپرستان پاداش‌های تشویقی پرداخت کند.

— در سال ۱۳۳۵ هم زمان با ساختمان دفتر مرکزی در محل کارخانه مدیریت قبلی تلویزیون مدار بسته ای به مبلغ ۴۸ هزار تومان (نه به مبلغ ۲ میلیون تومان) خریداری کرد که در حال حاضر خراب بوده و سعی در تعمیر آن نشده است باید متذکر شد که این تلویزیون بیشتر جنبه نمایشی داشته و نمایش دهنده آن فقط در اطاق مدیر

این شرکت در مورد عدم وابستگی. — پس از گذشت دو سال از انقلاب با تمام مشکلات موجود در کردی در پرداخت حقوق و مزایای قانونی کارگران نداشتن است.

— دردی ماه و بهمن ماه ۱۳۵۷ دو ماه کارخانه را شخصا تعطیل نموده، ولی تمام حقوق و مزایای کارگران را پرداخت نمود.

— شورای کارگران پیشنهاد می‌کرد که صرف نظر از سعی و کوشش کارگران به همه بطور مساوی مبلغی به عنوان پاداش تشویقی بطور مساوی پرداخت شود که این از نظر مدیریت

شرکت "ایران سویچ" در نامه‌ای به شماره ۷۵۹۳ به تاریخ ۱۲/۱۲/۵۹، به مطلب نامه "مردم" زیر عنوان "کارگران ایران سویچ خواستار ملی شدن کارخانه هستند" مندرج در شماره ۴۵۲، پاسخ گفته که در زیر عیناً درج می‌شود:

"محترماً خواهشمند است طبق قانون مطبوعات توضیحات این شرکت را در باره مندرجات شماره ۴۵۲ آن روزنامه تحت عنوان "کارگران ایران سویچ خواستار ملی شدن کارخانه هستند" را در آن جریده درج بفرمائید.

— کارخانه ایران سویچ یکی از نادرترین کارخانه‌هایی است که صنعت خود را از ۶ سال پیش از صورت مونتاز خارج کرده و در حال حاضر کلیدهای فشارقوی برق را کاملاً در ایران می‌سازد و این مدرکی است دال بر سعی مدیریت

ویژه هیئت های نفی و اجرای بند ج

امروزه در حالی که دشمنان انقلاب ایران چه در داخل و چه در خارج کشور سعی در منحرف کردن و به تباه کردن انقلاب را دارند، بسیاری از ارگانها، نهادها و افراد انقلابی و دلسوزی که همواره در راه پیشرفت، ترقی و سعادت ایران انقلابی و توده های زحمتکش تلاش می ورزند، از آن جمله است نهاد انقلابی هیئت واگذاری زمین که رسالت بسیار بزرگی بر عهده دارد. این هیئت ها پیام آوران رهائی از یوغ ستم و تعدی بزرگ مالکی برای روستائیان و دهقانان زحمتکش هستند. البته طبیعی است کسانی که سالها دهقانان زحمتکش را به کار گرفته

نهاد انقلابی هیئت واگذاری زمین

و آنان را استثمار کرده اند و تکه زمین هائی را که دهقانان با هزار خون دل بدست آورده بودند تا از آن طریق معاش روزانه خود را بگذرانند، بوسیله زر و زور و تزویر به نفع خود ضبط کرده اند و وجود یک چنین نهادی را همواره خاری در چشمان خود می بینند. به همین جهت این زالووفشان تمام سعی خود را بکار می برند تا کلیه فعالیت های مثبت این نهاد انقلابی را در چشم دیگران معکوس جلوه دهند. از جمله اینکه کوشش می کنند امر صادره و واگذاری اراضی به دهقانان بی زمین

روستای قلعه خواجه، در انتظار پایان مناسبات ارباب ورعیتی است

ایادی لیبرال و روحانی نمای آنان نه تنها موجب دلسردی و نومیدی اعضای فداکار هیئت ۷ نفری نشده بلکه آنان را در مبارزه بحق و انسانی و عادلانه خود در راه اجرای تمام و کمال، قانون مصمم تر و راسخ تر نموده است. امروز شعار "مادترین زارعین زحمتکش، را از حاقوم مالکین بزرگ بیرون خواهیم کشید" بسیج کننده یک نیروی عظیم انقلابی و الهام بخش دهقانان زحمتکش، در سراسر ایران شده است. مطالب امروز صفحه دهقانی نامه - "مردم" به بازتاب گوشه های از فعالیت ها و اهمیت کار هیئت ۷ نفری واگذاری زمین اختصاص دارد.

گردهمائی اعضا هیئت واگذاری زمین و نمایندگان شوراهای روستایی گران

امروز که در طلیعه پیروزی انقلاب با ید به حق قانونی خودش نائل گردید، با زهم کارشکنی های بی می شود. وی آنگاه به مسئله مالکیت وحدومرز آن اشاره کرد و با استناد به قاعده "لاضرر" تفسیر آنرا چنین دانست: "... هیچ مسلمانی حق ندارد برای بدست آوردن سرما به بیشتر به دیگری ضرر وارد کند. و اگر چنانچه بخواهد اینکار را بکند و این کار را در سابق کرده باشد حکومت اسلامی این حق را دارد که آن سرمایه را از او بگیرد و در اختیار آن شخص مظلوم ضرر دیده بگذارد. و در توضیح بیشتر گفت: "... لذا می بینیم آیت اله مشکینی در یک کتابی یک جمله ای دارد، می فرماید در هر مورد که مالکیت خصوصی منجر به استثمای رشود یا بد آن جلوگیری کرد و اگر مالکیت شخصی ضرر استثماری داشته باشد این گونه مالکیت را اسلام محدود می کند و به رسمیت نمی شناسد.

اجرای قانون اصلاحات ارضی و از آن جمله بند "ج" امر مهم و برجسته ای است که در ایران انقلابی ما مطرح گردیده و همانند یک ضرورت مبرم و یک نیاز فوری، در سطحی گسترده انعکاس یافته است. اکثریت زحمتکشان ما یعنی دهقانان بی زمین و کم زمین و انقلابیون مدافع آنان خواهان اجرای فوری و کامل این قانون هستند و واکاوی آن را گام بلندی در راه رهایی تهیدستان از یوغ غارتگران و بهره کشان مسی دانند. اکثریت نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی نیز بر این امر مهم تاکید می ورزند و تحقق کامل مرحله اجرای قانون را وسیله مهم و موثری در راستای اعتلا و کشاورزی و نیل به خودکفایی اقتصادی بشمار می آورند.

نحوه تصویب قانون اصلاحات ارضی و فعالیت بزرگان مالکان و ایادی آنان علیه آن

نمایندگان کم شرح در هیئت واگذاری زمین در گران در بخش دیگری از سخنان خود به نحوه تصویب قانون اصلاحات ارضی و اینکه این طرح بوسیله آقایان منتظری و مشکینی و بهشتی تنظیم گردیده و در شورای انقلاب به تصویب روحانیون رسیده است که خود فقیه و اسلام شناس هستند اشاره کرد و از جمله گفت: "... اما از همان روز که این طرح مطرح شد توطئه ها هم شروع شد. فرستادن طومارها و شکایت ها، رفتن به خانه علماء، اظهارات بسیار متناقضانه در حضور مراجع تقلید، بیگانه ها، تلفن ها، انواع واقسام کارها توی این مملکت شروع شد و مسئله آن مقدار گسترده و حساس شده در سطح ایران مطرح شد که یک موقع دیدیم که مسئله به عنوان جلوگیری از طرح واگذاری زمین مطرح شد.

لیکن در سویی دیگر بزرگان مالکان و عوام مل آنان و روحانی نماها و نیز لیبرال هادر مجلس می کوشند تا قانون را مخرب اقتصاد کشاورزی و اجرای آن را بمنوان ابزاری که سطح تولید را کاهش می دهد قلمداد کنند. و در این راه نیز انواع برجسب های "غیر شرعی" و "کمونیستی" را به آن می زنند. در این زمینه در گردهمایی که چندی قبل با حضور اعضاء هیئت هفت نفری و نماینده شورای اسلامی در گران برگزار شد، نماینده کم شرح در هیئت و نماینده شورا های اسلامی گران ضرورت اجرای قانون اصلاحات ارضی و بی پایه بودن تبلیغات بزرگ مالکان و ایادی آنان را تأیید کردند.

مسئله مالکیت و دیگر مسائل گنبد و شوراهای ده

حجت الاسلام حسینی همچنین به استیضاح محمد سلامتی وزیر کشاورزی در مجلس شورای اسلامی توسط نماینده گنبد اشاره کرد.

تمپیدستان روستا و مالکیت

حجت الاسلام حسینی نماینده حاکم شرع در هیئت واگذاری زمین در آغا زین، دهقانان زحمتکش روستا را "محروم ترین طبقه کشور، طبقه ای که تمام کارایی را در این کشور دارد، زحمت ها و شکنجه ها را در روستاها با کمترین امکانات زندگی متحمل می شود" دانست و در مورد آنان گفت:



بزرگ مالک اول: توی روزنامه چی نوشته که اینقدر توهم رفتی؟ بزرگ مالک دوم: باز هم یک روحانی دیگه گفته طرح واگذاری زمین هم جنبه قانونی داره هم جنبه شرعی.

مستضعفین و حقوق آنها بی که ایشان را به مجلس فرستاده اند می گویند. شما اگر آمار بگیرید یک درصد منطقه را زمینداران بزرگ و فئودال ها تشکیل می دهند. ۹۹ درصد هم افراد ضعیف، ناتوان، فقیر و محروم هستند.

سخنرانی عضو شورای روستای محمدآباد

سپس، عضو شورای روستای محمدآباد در شرح دیدار خود با امام خمینی و دیگر مسئولان مملکتی و آرا به طومارهای روستائیان به مقامات کشوری پرداخت. وی از جمله گفت ما طومارها را بردیم به مجلس و در داخل راه و مجلس با ز کردیم تا نماینده ها ببینند و متوجه بشوند که چی هست در منطقه. وی سپس به دیدار خود با نمایندگان اشاره کرد و در پایان گفت: "بیشتر نماینده های مجلس موافقند با این طرح (اصلاحات ارضی) و یک مسئله مهم هست که شما برادران روستایی این طومارها بی که نوشته ایم منظور ادامه دهید.

وی این سخنان وزیر کشاورزی را که گفته بود "کمبود محصول مربوط می شود به وضع مالکیت در مناطق" و "بعضی ها هم به دلیل عدم امنیت در زمین سرمایه گذاری نمی کنند و مالکان جزء هم به دلیل نداشتن بودجه کاری نکردند و به علت محاصره اقتصادی ماشین های کشاورزی عملیات توسعه اند بخوبی بکار گرفته شوند." مورد تاکید قرار داد. وی این ادعا را که گویا "شوراها زمین را صادره می کنند ولی نه خودکشت می کنند و نه به دیگران می دهند کشت کنند" رد کرد و گفت: "... کدام شورا می تواند زمین صادره بکند و صادره کرده؟ برای نمونه بیایند یک شورا حداقل نشان بدهند و طبق آماری که هفته قبل برادران ما در منطقه گران ارائه دادند، ۹۵ درصد زمین هایی که باید امسال کندم کشت می شد الحمداله به برکت فعالیت کشاورزان متعهد و زحمتکش و فعال منطقه با کیفیتی بسیار عالی کشت شد و امسال مثل سال گذشته که جنبه مرغی بریزند توی زمین نبوده و به بهترین وجهی کشت شده." وی خطاب به نماینده گنبد گفت: "ما گله مند هستیم از این برادر محترممان که توی مجلس شورای اسلامی از تریبون مجلس استفاده می کنند و ای بسا سری مسائل را برای کوبیدن حقوق

روستائیان قلعه خواجه خواهان اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی هستند. این روستاداران شورایی مرکب از ۵ نفر است. روستائیان در مورد چونگی تشکیل شورا توطئه های فئودال ها گفتند: "در اوایل انقلاب با هم گفتگو کردیم و شورایی تشکیل شد و تصمیم به صادره زمین ها گرفتیم که در اثر فشار و سببه ها و توطئه های فئودال ها موفق به صادره نشدیم و نزدیک بود منجر به خونریزی چند نفر شود که به این خاطر انجام نشد. علت آن این بود که ده دارای چندین فئودال است که همگی با هم متحد هستند و قوم و خویش های در روستا دارند که مانع کارها می شوند و نیز مانند روستا های دیگر یک فئودال ندارد که همگی دهقانان متحد شوند و زمین ها را صادره کنند. این است که باعث شده بین ما اتحاد و تقاضا نباشد." روستاداران یک مدرسه ابتدایی است اما فرزندان روستائیان برای تحصیل در دوره راهنمایی به ورامین می روند. احداث یک دستگاه مدرسه برای دوره راهنمایی خواست روستائیان است. در نگاه نیز در روستا وجود ندارد. جاده بتازی آسفالت شده است ولی هنوز پل ارتباطی با شهر در دست تعمیر است. ضرورت حیاتی دارد که مقامات مسئول، سنگی را که مالکان بزرگ و لیبرال ها جلوی قانون اصلاحات ارضی انداخته اند بردارند. بند "ج" قانون اصلاحات ارضی را به اجرا آورند و دست هیئت های ۷ نفری را باز بگذارند تا آنها وظیفه انقلابی خود را انجام دهند.

دهقانان چشم براهند: هیئت های ۷ نفری باید هر چه زودتر وقایع تر کار واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین را به انجام برسانند

باجل سریع مشکلات زندگی مردم سقز اقدامات توطئه گرانه و فعالیت تبلیغاتی ضدانقلاب را خنثی سازید!

«ضدانقلاب برزمینه مشکلات فراوان زندگی مردم این شهر فعالیت های خود را افزایش داده است»
«مستولان امور باید با این مشکلات برخوردی مسئولانه و انقلابی داشته باشند»

شهرستان سقز واقع در استان کردستان با مشکلات فراوانی روبروست. مسائل مختلف در زمینه های بهداشت، ارزاق عمومی، سوخت و تهیه آرد و نان، در کنار فعالیت وسیع ضدانقلاب در شهر، دشواریهای فراوانی برای مردم سقز و روستاهای اطراف آن پدید آورده است. عوامل ضدانقلاب توانسته اند با تبلیغات خود و سوء استفاده از زمینه های ناراضی موجود بردشواریه با میزان زیادی بیفرازند. به تمام اینها باید مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی تجاوزگران صدامی به جمهوری اسلامی ایران را نیز بیفزاییم تا آنگاه - تصویر روشنی از وضع دشوار زندگی مردم این ناحیه میهنمان بدست بیاوریم. ما بابرشردن پاره های از مشکلات این شهرتوجه مسئولان کشور را به آن ها جلب می نمایم و خواستار رسیدگی سریع به این مشکلات هستیم. لازم به تاکید است که حل این مشکلات به تجهیز هرچه بیشتر نیروی مردم در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر انواع توطئه های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و متحدانش، پاری خواهد رساند.

بهداشت: مشکلات فراوان است. امکان موجود بهداشتی در شهرستان سقز با توجه به جمعیت و نیاز اهالی، به هیچوجه پاسخگو نیست. مردم زحمتکش و محروم شهر نیست. آماری که از کادر پزشکی، وسایل، دارو و غیره تهیه شده است، نشان می دهد که امکانات موجود بسیار ناقص و نارسا است و داروهای مورد نیاز مردم، بسیار کم یافت می شود. از ۴ داروخانه موجود در شهر، تنها یک داروخانه مسئول متخصص دارد. کمبود پزشکان متخصص در شهر یکی دیگر از مشکلات اساسی در زمینه امور بهداشتی مردم است. می توان گفت که در این شهرستان متخصص نایاب است و تنها یک پزشک متخصص، آنهم در زمینه بهداشت اطفال وجود دارد که شغل دولتی ندارد و به طبابت آزاد مشغول است. دکتر متخصص دندان نیز یک پزشک خارجی است که بعلت کثرت مراجعین هیچگاه نتوانسته است پاسخگو نیازمندیهای مردم باشد. دکتر جراح در سقز نیز پزشکی خارجی است که بعلت عدم وجود وسایل لازم و امکانات جراحی، حتی در موارد ساده هم نمی تواند پاسخگو احتیاجات مردم باشد. علاوه بر اینها، مسراکز بهداشتی بخشهای مختلف شهرستان سقز، که بالغ بر ۹ مرکز و بیشتر محل رجوع روستائیان زحمتکش اطراف سقز بودند، بعلت عدم وجود امکانات لازم بجز یکی، همه تعطیل شده است، که این خود باعث بروز مشکلات فراوان برای روستائیان این منطقه شده است.

ارزاق عمومی: کمبود و گرانی در زمینه نیازهای عمومی و روزمره مردم سقز نیز کمبودهای فراوانی دیده می شود. در این میان باید توجه داشت که برخورد مسئولین شهری نسبت به رفع این نیازهای مردم و حیاتی مردم، در مواردی بسیار تاسف آروزیان بخش بوده است. وسایل ضروری از قبیل نفت، قند، روغن، پودر رختشویی و غیره که بوسیله کوپن یا حواله به مردم عرضه می شود، به علت دیررسیدن، با قیمت بسیار بالایی در دسترس آنها قرار می گیرد. بطور مثال نفت سفید تا حلی ۲۱۰ تومان، قند تا کیلویی ۴۰

تومان، روغن ۵ کیلویی (که قیمت معمولی آن ۲۹۰ ریال بود) ۱۳۰۰ ریال، روغن ۱۷ کیلویی (که قیمت معمولی آن ۱۰۴۰ ریال است) تا ۵۰۰۰ ریال و صابون (که قیمت عادی آن ۷ ریال است) تا ۳۵ ریال، خرید و فروش می شوند. اگر به کمبود و نایاب بودن و قیمت سرسام آور کالاهای، فقر عمومی و بیکاری شدید راهم بیفزاییم، آن وقت است که به شدت فشاری که بر مردم زحمتکش شهر سقز و روستاهای اطراف آن وارد می شود، بی می بریم. این فشارها باعث شده است که ضدانقلاب بتواند در مواردی با استفاده از نا رضائی های پدید آمده، دست به عملیات آشوبگرانه بزند.

آرد: مشکلات تولید و توزیع تهیه نان و آرد نیز در سقز بعلت مشکلات متعددی که در زمینه تولید و توزیع آن وجود دارد با دشواریهای همراه است. عمده ترین محصولات کشاورزی در کردستان و بخصوص سقز گندم است. چنانچه تولید کشاورزی در این منطقه با وسایل پیشرفته و آبیاری مرتب و برنامه ریزی دقیق انجام گیرد و دست واسطه ها و سلف خرها با اقدامات دقیق و برنامه ریزی شده دولت جمهوری اسلامی ایران قطع گردد، می توان مطمئن بود که این منطقه تنها از لحاظ غله خود کافی شود، بلکه می تواند غله برخی از دیگر نقاط کشور را نیز تامین کند.

بخشی از گندمی که توسط روستائیان تولید می شود، بوسیله تعاونی ها و بخش دیگر، بوسیله تجار بازار خریداری می شود. گندمی که توسط تعاونیها خریداری می شود به مرکز سیلوی سقز، که تا ۱۲ هزار تن و در موارد ضروری تا ۱۲۵۰۰ تن ظرفیت دارد، تحویل داده می شود. با این وجود نحوه غلط توزیع گندم و عدم کنترل دولت بر تحویل آرد و فروش آن به نانوایان، باعث انجام سوء استفاده های زیاد، چه از سوی صاحب کارخانه و چه از طرف نانوایان - ها شده است. بطور کلی باید گفت، اگر چه مردم از لحاظ نان و آرد در مضیقه نیستند، اما به علت همان بی برنامهگی و عدم کنترل کافی بر تولید و توزیع گندم و آرد، برای تامین نیاز نان خود، دچار مشکلاتی شده اند. با توجه به محاصره اقتصادی که اکنون بر روستاهای منطقه اعمال می شود، ممکن است این مشکلات در آینده ابعاد وسیع تری بخود بگیرند.

برای روشن شدن این نکته باید گفت، تا قبل از فروردین ۵۹ در کردستان، وضع آرد و آسیاب های روستائی بطور کلی، بد نبود. اما با شروع جنگ و نظر به اینکه ذخیره زمستانی روستائیان روبه تمام بود، و نیز بعلت روی آوردن مردم شهر به روستاها، مسئله تهیه آرد و نان به مشکلی اساسی تبدیل شده است. خصوصا روستاها و بخش های جنوبی سقز، به علت قطع ارتباط با بوکان و دیگر شهرها، از لحاظ تهیه آرد دچار مشکلات فراوان شدند. آسیاب های روستاها بعلت نبودن سوخت تعطیل شدند و قیمت آرد بطور سرسام آوری بالا رفت. بعد از پایان جنگ و بازگشت مردم به شهر، روستائیان برای تهیه آرد و سوخت برای آسیابها به شهر مراجعه کردند. لیکن برخورد ناصحیح مسئولین شهر، مشکل را جدی تر کرد. مسئولان شهر به دلیل اینکه، ضد انقلاب در بعضی از روستاها مستقر شده است از تحویل این مواد به روستائیان خودداری کردند و در نتیجه بهانه برای تبلیغات هرچه بیشتر ضد انقلاب، علیه جمهوری اسلامی و انقلاب ایران فراهم آمد. بطور خلاصه باید گفت، اجازه

ندادن ماموران دولتی به روستائیان برای حمل آرد مصرفی، وضع تهیه نان در روستاها را به مشکلی بزرگ تبدیل کرده است.

سوخت: مشکلی بزرگ مردم شهر سقز در زمینه سوخت نیز دچار مشکلات فراوان هستند. کمبود نفت و سایر سوخت های حرارتی بخصوص در زمستان سرد کردستان، اوضاع زندگی را بسیار مشکل کرده است. تاکنون حدود ۸ ماه است که کمبود سوخت، شکل بسیار جدی ای به خود گرفته است. در این مورد خودداری مسئولین دولتی از تحویل سوخت به مردم، به دلیل اینکه ممکن است ضد انقلاب، آنرا بدست آورد، نقش مهمی داشته است. در حالیکه ضد انقلاب مواد مورد نیاز خود، اسلحه، سوخت و مواد غذایی را بطور عمده از خارج مرز و بویژه از جانب رژیم جنایتکار صدام تامین می کند و مقدار زیادی نیز ذخیره دارد. بهر حال محدودیت سوخت بویژه پس از شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تشدید شده است. بطوریکه با وجود اعلام این مطلب که به هر خانواده ایرانی باید هفته ای ۲۰ لیتر نفت تحویل شود، در سقز عملا اینکار مدت ها است که یا انجام نگرفته یا با تاخیرهای طولانی انجام شده است. تحویل بزمین نیز در این شهر دچار مشکلاتی نظیر نفت شده است. بطوریکه در این شهر بجای تحویل ۳۰ لیتر بنزین روزانه به ماشین های پلاک نارنجی، عملا ۱۰ لیتر توزیع می شود. جیره اتوموبیل های شخصی نیز ۳ ماه است که به تعویق افتاده است. در همین ارتباط، باید به قیمت های بالای خرید و فروش این کالاها نیز اشاره کرد. بطور مثال، نفت حلی ۲۰ الی ۵۰ تومان، بنزین لیتری ۵۰ (تا ۴۰ تومان، چوب تنی تا ۱۵۰۰ تومان و ذغال باری ۲ گونی ۲۰۰ الی ۴۰۰ تومان خرید و فروش می شود.

فعالیت ضدانقلاب ضدانقلاب در کردستان، که با کمکهای همجانیه رژیم صدام و مزدورانی مانند اوسسی و پالیزبان و امثالهم تجهیز می شود، از تمامی این مشکلات در جهت ایجاد هرج و مرج، ایجاد جو بدبینی در میان مردم نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و سرانجام ایجاد درگیری و جنگ برادر کشی، بطور وسیعی استفاده می کند. برخی از اقدامات شتابزده و غیر مسئولانه مقامات جمهوری اسلامی ایران نیز عملا و صرف نظر از نیت آنان، به این مقصود یاری می رساند. عمال مسلح ضدانقلاب هم چنین با ترور و تخریب در سطح شهر، عملیات خود را وسعت می بخشند. بطور مثال در تاریخ ۷ بهمن، یکی از پیشمرگان مسلمان کرد، بوسیله افراد مسلح مورد اصابت گلوله قرار گرفت. همچنین افراد باند قاسم با اید و اذیت مردم روستاها و باجگیری از آنان تحت نام "پیروان کنگره چهارم از سوئی سی می کنند با عث خشم مردم نسبت به نیروهای مومسن و معتقد به انقلاب شوند و از سوی دیگر به ایجاد ناامنی و هرج و مرج در سطح منطقه یاری کنند. با توجه به تمامی این مطالب و با توجه به حساسیت فوق العاده وضع منطقه، لازم است که مسئولین جمهوری اسلامی ایران، بطور قاطع و جدی به حل این مشکلات بپردازند و نقشه ضد انقلابیون وابسته به امپریالیسم آمریکا را در جهت ایجاد ناراضی و یاس مردم نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، خنثی سازند. انقلاب می طلبد که این اقدامات هرچه سریعتر، جدیتر و قاطعتر به مورد اجرا در آید.

ضدانقلاب در کردستان، که با کمکهای همجانیه رژیم صدام و مزدورانی مانند اوسسی و پالیزبان و امثالهم تجهیز می شود، از تمامی این مشکلات در جهت ایجاد هرج و مرج، ایجاد جو بدبینی در میان مردم نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و سرانجام ایجاد درگیری و جنگ برادر کشی، بطور وسیعی استفاده می کند. برخی از اقدامات شتابزده و غیر مسئولانه مقامات جمهوری اسلامی ایران نیز عملا و صرف نظر از نیت آنان، به این مقصود یاری می رساند. عمال مسلح ضدانقلاب هم چنین با ترور و تخریب در سطح شهر، عملیات خود را وسعت می بخشند. بطور مثال در تاریخ ۷ بهمن، یکی از پیشمرگان مسلمان کرد، بوسیله افراد مسلح مورد اصابت گلوله قرار گرفت. همچنین افراد باند قاسم با اید و اذیت مردم روستاها و باجگیری از آنان تحت نام "پیروان کنگره چهارم از سوئی سی می کنند با عث خشم مردم نسبت به نیروهای مومسن و معتقد به انقلاب شوند و از سوی دیگر به ایجاد ناامنی و هرج و مرج در سطح منطقه یاری کنند. با توجه به تمامی این مطالب و با توجه به حساسیت فوق العاده وضع منطقه، لازم است که مسئولین جمهوری اسلامی ایران، بطور قاطع و جدی به حل این مشکلات بپردازند و نقشه ضد انقلابیون وابسته به امپریالیسم آمریکا را در جهت ایجاد ناراضی و یاس مردم نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، خنثی سازند. انقلاب می طلبد که این اقدامات هرچه سریعتر، جدیتر و قاطعتر به مورد اجرا در آید.



مالکیت در سوسیالیسم

بقیه از صفحه ۳
دیده میشود که آنچه بعضی «متقدمین» سوسیالیسم علمی بنام «نفی مالکیت» به عنوان یکی از «دو اصل» اساسی (بدون ذکر کوچکترین سند و مأخذ) به سوسیالیسم علمی نسبت میدهند، در واقع هیچ وجه مشترکی با این نظام اجتماعی نداشته و ندارد. در نتیجه چنین «تقد»ها و «تحلیل»هاست که «نظام سوسیالیستی» را گناه «سرمایه داری دولتی» یکسان میکنند، گناه «آرا» از نظام سرمایه داری هم ناسدتر. میسرند، «زیرا» سرمایه داری اصولا اساس اقتصاد را در مالکیت میداند، که سوسیالیسم با نفی آن اقتصاد را خراب میکند!

هم اکنون نیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، نیروی راهبر در نخستین کنفرانس سوسیالیسم پیرو، برگزار میشود. طرح «راستای عمده رشد اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی در سالهای ۱۹۸۵ - ۱۹۸۱»، که کمیته مرکزی حزب ۴ ماه پیش از گنایش کنگره (۱۱ آذرماه) برای مذاکره همگانی خلق در روزنامه «پشت این کشور» به چاپ رسانده است، یکی از مسائل مورد بحث این کنگره است. در بخش یکم این طرح، دستاوردهای اساسی گسترش اقتصادی و رشد رفاه خلق در پنجاه گذشته (دهم) جمع بندی شده است. طبق این جمع بندی، در پنجاه دهه، نسبت به پنجاه پیشین، درآمد ملی کشور ۴۰۰ میلیارد روبل (هر روبل به نرخ رسمی ۱۰ تومان است)، تولیدات صنعتی ۷۱۷ میلیارد روبل، محصولات کشاورزی ۵۰ میلیارد روبل افزایش یافته است. در ضمن، ۸۰ درصد از کل درآمد ملی مستقیما برای مصرف اهالی، ساختمان مسکن و بناهای اجتماعی - فرهنگی صرف شده است. تنها در سال گذشته بیش از ۱۰ میلیون نفر صاحب خانه جدید شده یا منازل مسکونی خود را بهبود دادند...

یک نمونه از جمهوریهای خاور اتحاد شوروی: همه محصولی را که صنایع جمهوری شوروی سوسیالیستی کازاخستان در تمام سال ۱۹۴۰ (سال تأسیس جمهوری) تولید میکرد، اکنون، در سایه نظام سوسیالیستی تنها در نیم روز تولید میکنند! در آن سرزمین که بیش از انقلاب سوسیالیستی به دشواری یک شپروند باسواد پیدا میشد، اکنون سالانه حدود ۴ میلیون (از جمع کل ۱۴ میلیون اهالی) دختر و پسر، پشت نیمکت های مدارس متوسطه و عالی به تحصیل دانش و فن اشتغال دارند...

آفتاب آمد دلیل آفتاب - گر دلیلت باید از ویرو متاب

شرکت ایران

بقیه از صفحه ۴
بر بررسی کرده اند و به هیچوجه ضرورتی در ملی کردن این واحد تولیدی ندیده اند.
۲) مدیریت آماده همکاری هرچه بیشتر و بهره گیری از نظرات شورای می باشد چنانچه شورای برابر با سازماندهی و فعالیت کند (شورا مستعفی دارای اساسنامه نمی بود) و پیشنهاد می نماید که شوراهای وزارت کار و امور اجتماعی را در مورد اختلافات احتمالی مابین شوراهای مدیریت گردن نهد.
۳) تمام مسائل ایمنی و حفاظت کار در اختیار کارگران می باشد.
۴) این کارخانه برای تمام کارکنان خود سرویس آمودرفت تامین کرده و حتی به کسانی که در کرج منزل دارند کرایه پرداخت می نماید. کارخانه دارای سلف سرویس بوده و تمام کارکنان بدون تبعیض از یک نوع غذا و به مبلغ ۲۰۰ ریال استفاده می نمایند.
۵) این کارخانه دارای شرکت تعاونی اعتبار و مصرف بوده که هر دو صندوق بخوبی مشغول بکار می باشند.
۶) تمام کارگران این کارخانه بیمه هستند و از تمام مزایای قانونی آن بهره می برند.
در ادامه آن روزنامه تقاضا دارد که در صورت مصاحبه با افراد در صحت و سقم اظهارات تحقیق فرمایند تا موجب جوسازی های بیبهره که باعث رکود کار می گردد نشود.
نامه مردم، به تحقیقات خود درباره صحت و سقم خبر فوق ادامه خواهد داد.

نمایشگاه عکس در بابل

از طرف اعضاء و هواداران حزب توده ایران در شهرستان بابل، نمایشگاهی به مناسبت سالروز بازگشت امام خمینی، در این شهرستان برپا شد. این نمایشگاه در مدت برپائی خود با استقبال مردم روبرو گشت.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!

علیه جنگ و برای صلح...

بقیه از صفحه ۱

سیاست جنگ و تجاوز رژیم دیکتاتوری عراق علیه خلقهای ایران ادامه سیاست فاشیستی و شورونستی است، که این رژیم از سالها قبل علیه خلق عراق، علیه نیروهای ملی و دمکراتیک آن و در میان آنها لیکای زنان عراق اعمال میکنند. این رژیم خونین سالهاست که اعدامها، بازداشتها و شکنجههای هزاران نفر از بهترین فرزندان خلق عراق، که علیه فشار، ترور و دیکتاتوری میچنگیدند را ترتیب میدهد. این نظام از وحشتناکترین شیوهها برای سرکوب حقوق حقه ملی خلق کرد استفاده میکند. هزاران خانواده شیمه عراقی، که اغلب ایرانی الاصل هستند، مجبور به مهاجرت به ایران شدهاند. سیاست این رژیم تحت یک همکاری متحد پارزیمهای ارتجاعی عربی، چون اردن و عربستان سعودی، مبنی بر پیشبرد قرارداد خائنه کمپدویود و تحکیم نفوذ نظامی امپریالیسم در این منطقه و بخصوص منطقه خلیج فارس قرار داشت.

اگر زنان عراقی و ایرانی تکرانی عمیق خود را آزادانه خونریزی و ترازوی غیرقابل فهمی که جنگ برای مردان و فرزندان نشان ببار آورده اعلام میکنند، بدین طریق در عین حال بر اهمیت تشدید مبارزه جنبشهای دمکراتیک زنان در دو کشور مشترک با دیگر نیروهای ملی و مترقی علیه جنگ و برای صلح تاکید میکنند.

برای جلوگیری از ریختن خونهای بیشتر جوانان عراقی و ایرانی در جنگی که علیه منافع هر دو خلق جریان دارد، آنها خواستار خروج فوری نیروهای عراقی از خاک ایران، قطع وضعیت جنگی و حل اختلافات موجود بین دو کشور از طریق صلح آمیز و پنبه استحکام استقلال هر دو کشور و تکامل مترقیانه و تحکیم روابط تاریخی دوستانه همسایگی و همچنین نبرد مشترک علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع هستند.

زنان هر دو کشور پیام خود را به تمام زنان جهان و سازمانهایشان رسانیده و آنها را فرامیخوانند، تا نیروی خود را در جهت افشای اهداف تجاوزکارانه امپریالیسم و عاملش در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، که صلح جهانی را بخطر می اندازد، بکار گیرند و سیاست ماجراجویانه نظامی رژیم عراق علیه انقلاب ایران را محکوم سازند و همچنین همه را برای کمک به قربانیان جنگ (مجروحین جنگ) کودکان و زنان هر دو کشور و همبستگی با آنان فرا میخوانند.

زنان عراقی پشتیبانی بی حد خود را از مبارزه زنان و خلقهای جمهوری اسلامی ایران علیه امپریالیسم آمریکا، برای از بین بردن میراث منغور رژیم سرتکون شده شاه، برای ادامه تکامل و رشد مترقی انقلاب ایران مجددا اعلام میکنند.

زنان ایرانی ادامه اعدامها، بازداشتها، شکنجهها و تبلیغات شورونستی برای راندن خلقها توسط رژیم بعثی عراق را شدیداً محکوم میکنند. به علاوه آنان تکرانی روزافزون خود را با بخاطر در خطر بودن جان زنان بشمار عراقی، از جمله «آیدا یاسین» عضو کمیسیون رهبری لیکای زنان عراقی را ابراز میدارند. زنان ایرانی همچنین همبستگی کامل خود را با زنان دوست عراقی و خلق عراق در مبارزه خود برای عراقی دمکراتیک و شکوفان اعلام میکنند.

زنده باد دوستی و همبستگی میان دو خلق برادر عراق و ایران!

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران - لیکای زنان عراق
دسامبر ۱۹۸۰

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد: مخالفان خط امام ملقمه ای هستند که زیر یک پرچم گرد آمده اند

★ اگر رئیس جمهور و نخست وزیر در اجرای قانون کوتاهی کنند، بگذاریدشان کنار
★ طرح سرپرستی وزارتخانه ها توسط نخست وزیر برای یک هفته مسکوت ماند

جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، بریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد.

در تطق های قبل از دستور، دکتر ولایتی، نماینده تهران، که طی سخنان خود به وجود دو جریان کلی در جامعه اشاره کرد، از جمله گفت:

«دو جریان کلی در جامعه ما هست. یکی همان جریانی است که مشهور است به خط امام و دیگری جریانی در مقابل او که یک ملقمه ای است که مجموعه آنها زیر یک پرچم جمع شده اند.»

ناطق سپس به توضیح نظریات خود پرداخت و سپس با اشاره به تطق ۴ تن از نمایندگان مجلس در استادیوم امجدیه و اینکه آنها گفته اند که به اقلیت اجازه فعالیت در مجلس داده نشود، گفت:

«بعضی از آقایان گفته اند که شش ماه است که به ما اجازه صحبت ندادند، در حالی که همان آقایانی که این صحبت را فرمودند، همین یک ماه اخیر صحبت فرمودند. و یا اینکه به ما اجازه نمی دهند که ایراد و انتقادات را بگویم، آن ایرادی که آقایان به بقیه گرفتند، بقیه باید به آنها بگیرند.»

پس از سخنان ناطقین پیش از دستور، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس گفت:

«من در رابطه با اظهارات برادران نماینده و همکاران سابق در دولت موقت و شورای انقلاب، که مربوط به مجلس بود، مطالبی در نظر گرفته بودم که بگویم که امروز از جبهتی مناسب نمی دانم. دکتر ولایتی بخشی از آن صحبت ها را کردند. من امروز صرف نظر می کنم.» در اینجا مسئله انتخاب نماینده های برای شرکت در کمیسیون وزارت دفاع، که به منظور بررسی برخی قراردادهایی که در گذشته بین ایران و آمریکا منعقد شده است، مورد بررسی قرار گرفت.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در مورد این طرح، ضمن توضیحاتی، از جمله گفت:

«شورای عالی دفاع قصد دارد که یک شورایی باشد تا به این قراردادها رسیدگی کند، تا آنها که به مصلحت کشور است، لغو شود و آنها که به مصلحت کشور نیستند، لغو شوند.»

در مورد این مسئله بحث شد و سپس مقرر شد که بررسی این دستور به تعویق افتد.

آنگاه نام ۵ تن از نمایندگان که برای عضویت در کمیسیون آئین نامه داخلی انتخاب شده اند، قرائت شد. این نمایندگان عبارتند از: آقایان محمدخامنه ای، هاشمی رفسنجانی، حسین هراتی، معادیخواه و مهاجرانی.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و ابتدا گزارش شور دوم کمیسیون مسکن و شهرسازی در مورد نحوه واگذاری ساختمانهای بلخا شد. برای زلزله زدگان طبرستان مطرح شد. متن لایحه بدین شرح است:

«در صورتی که وزارت مسکن و شهرسازی تعداد بیشتری واحد مسکونی احداث نموده، می تواند طبق ضوابطی که تعیین می کند و با توجه به اولویت ها، نسبت به واگذاری آنها به مستاجرین و چادر نشین ها اقدام کند.»

این لایحه پس از سخنان موافق و مخالف به رای گذاشته شد و با اکثریت آراء مورد تصویب قرار گرفت.

آنگاه گزارش شور دوم کمیسیون بهداشتی در خصوص تنظیم هزینه های عادلانه بهداشتی مطرح گردید. در این طرح، که توسط کمیسیون بهداشتی مجلس تنظیم شده، آمده است:

«وزارت بهداشتی موظف است ظرف مدت ۴ ماه جهت تنظیم صحیح و عادلانه هزینه های درمانی مطالعات لازم را انجام و با تهیه آئین نامه های مربوطه، پس از تایید کمیسیون بهداشتی مجلس شورای اسلامی به موقع اجرا گذارد.»

این لایحه پس از سخنان موافق و مخالف و با حذف عبارت «پس از تایید کمیسیون بهداشتی مجلس شورای اسلامی»، مورد تصویب قرار گرفت.

سپس مجلس بحث درباره طرح اداره وزارتخانه های بی سرپرست توسط نخست وزیر را آغاز کرد. در اینجا عده ای از نمایندگان خواستار مسکوت گذاردن طرح مذکور شدند. درباره این پیشنهاد یک مخالف و موافق سخن گفتند.

حجت الاسلام رهامی، که خود از امضاء کنندگان طرح بود، به عنوان موافق مسکوت ماندن سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت: «ما بخواهیم اینکه این قضیه حل بشود و در شرایط بحرانی مملکت دولت بتواند جلو مشکلات اقتصادی و سیاسی راه، که ممکن است به فلج شدن دولت بکشد، حل کند و بعد از مشورت های زیاد... این طرح را نوشتیم، تا بلکه آقای نخست وزیر بتواند با سرپرستی وزارتخانه ها مسائل اساسی مملکت را حل کنند. متأسفانه برادرمان آقای بنی صدر اطلاعاتی دادند که در رابطه با این اطلاعیه، تقاضای مسکوت ماندن لایحه را کردیم.»

وی در ارتباط با این اطلاعیه گفت: «من تعجب می کنم که خود آقای رئیس جمهور، که در مجلس

در مهر کز مطبوعاتی بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

کارلوس نونسو عضو رهبری «جبهه آزادی ملی نیکاراگوئه» بنام ساندینو، که در راس هیئت نمایندگی این جبهه در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت دارد، در مرکز مطبوعاتی کنگره از پشتیبانی اتحاد شوروی از انقلاب نیکاراگوئه سپاسگزاری کرد و اظهار داشت:

«دولت آمریکا برخلاف اتحاد شوروی نسبت به انقلاب نیکاراگوئه مواضع خصمانه ای اتخاذ کرده است»

وی گفت:

«سازمان «سیاه» به توطئه های خود علیه نیکاراگوئه ادامه میدهد و به گروه های ضد انقلاب و خرابکار در این کشور کمک میکند.»

کارلوس نونسو اظهار داشت:

«همین چند روز پیش گروهی از خرابکاران، که به تحریک «سیاه» در صدد سرنگونی رژیم انقلابی در کشور ما بودند، کشف و فعالیت آنها خنثی گردید.»

وی ادعای واشنگتن را که گویا نیکاراگوئه در امور داخلی السالوادور مداخله میکنند، تکذیب کرد.

تودور ژوکوف، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان در مصاحبه مطبوعاتی در مرکز مطبوعاتی بیست و ششمین کنگره اظهار داشت:

«بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، که در مسکو جریان دارد، برای تمام بشریت اهمیت بسزایی خواهد داشت، زیرا این کنگره و تصمیمات متخذه در آن، بمبارزه خلقها در راه آزادی و صلح و تسبیح زدائی و همکاری بین المللی تحریک جدیدی خواهد داد.»

تودور ژوکوف از ابتکارات صلح خواهانه اتحاد شوروی، که در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به کنگره مطرح گردید، ابراز خشنودی کرد.

رهبر حزب کمونیست بلغارستان تبلیغات افترا آمیز غرب را در مورد اینکه گویا حزب کمونیست اتحاد شوروی اراده خود را بر سایر احزاب تحمیل میکند، تکذیب کرد و گفت:

«مناسبات در درون جنبش جهانی کمونیستی بر پایه برابری کامل حقوق استوار است.»

خبرگان بودند، بطور توجه نمی کنند که اصل ۱۴۱ قانون اساسی تصریح دارد که نخست وزیر می تواند در موارد ضروری بطور موقت تصدی برخی از وزارتخانه ها را بپذیرد. بنابراین حق نخست وزیر است. کاری که مجلس کرده، آمده به نخست وزیر می گوید، آقا عیناً آن شرایط ضروری است، تو باید اینکار را بکنی.»

وی همچنین، ضمن اشاره به اینکه در اطلاعیه رئیس جمهور به مجلس توهین شده است، گفت:

«اگر آقای رئیس جمهور عقیده دارند که رای ملت میزان است، نماینده هایی که اینجا نشسته اند، نماینده های مردمند. اینها را هم ملت رای دادند. اگر اینکه رای ملت تنها در تعیین رئیس جمهور میزان است در مورد تعیین نماینده ها میزان نیست، خوب اینرا بفرمایند.»

حجت الاسلام رهامی، ضمن اشاره به اینکه در اطلاعیه رئیس جمهور آمده است که با مذاکرات با امام خمینی قضیه دارد حل می شود، گفت:

«اگر مجلس بعنوان مهمترین ارگان و محور اداره مملکت است، رئیس جمهور موظف است که طبق اصل ۱۴۳، مصوبات مجلس را اجرا کند و موافقت و مخالفت با قانون اساسی را شورای نگهبان تعیین می کند.»

وی سپس پیشنهاد کرد:

«برای اینکه دوباره نشان بدهیم که اعتقاد و علاقه داریم، این طرح دوفوریتی به مدت یک هفته مسکوت بماند، و الا نخست وزیر می تواند طبق اصل ۱۴۱ این کار را بکند، هیچکس هم نمی تواند جلوی او را بگیرد.»

حجت الاسلام رهامی همچنین گفت:

«اگر مجلس عمل نکند و کوتاهی کند، می شود مجلس مشروطه. اگر نخست وزیر کوتاهی کرده، بردارید استیضاح کنید، بگذارید کنار. اگر آقای رئیس جمهور کوتاهی کرده، طبق بند ۵ اصل ۱۱۰، رای به عدم کفایت سیاسی بدهید، که آقا نمیتوانید این مملکت را اداره کنید. ما به وظیفه قانونی خودمان عمل می کنیم.»

موحلی ساوچی، که به عنوان مخالف مسکوت ماندن سخن می گفت، در قسمتی از سخنانش اظهار داشت:

«اگر چنانچه هر کس، هر مسئولی، هر فردی برخلاف قانون اساسی، چه اختیارات مخالف قانون اساسی بخواهد، چه حقوق زاید بخواهد، چه مسئولیت های را در این چارچوب نشناسد یا عمل نخواهد بکند، ما بپیچوجی نمی توانیم سکوت بکنیم. الان بعد از ۵ الی ۶ ماه است که مجلس شورای اسلامی سکوت کرده است. این طرح را ما باید در حدود ۱۵ روز یا ۲۰ روز بعد از اینکه یک گایینه نیم بند را مجلس پذیرفت همان روز می آوریم و می آوریم و تا حالا هم به تأخیر افتاده است.»

این طرح سپس به رای گذاشته شد و مسکوت ماندن آن به تصویب رسید.

آنگاه لایحه تغییر نام وزارت بهداشتی و پزشکی به وزارت بهداشتی مطرح شد و مورد تصویب قرار گرفت.

جلسه بعدی مجلس روز سه شنبه ۱۲ اسفند تشکیل می شود.

حجت الاسلام محمد منتظری:

دارند کوشش میکنند حساسیت ضد آمریکائی را از مردم بگیرند

حجت الاسلام محمد منتظری، نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو شورای عالی دفاع، طی یک مصاحبه با کیهان (۵۹/۱۲/۹) با اشاره به توطئه های امپریالیسم آمریکا، از جمله گفت: «اینها متحدا عمل می کنند که بلکه شرایط را ایجاد کنند که زمینه را برای جناح های میانه رو و محافظه کار متمایل بفریب در ایران حساسیتی که مردم ما نسبت به امپریالیسم و در راس آن آمریکا دارند، از بین برد و بطور کلی اقدامات و فعالیت های ضد آمریکائی محو شود... از جمله همین سران نهضت آزادی و جبهه ملی و یکسری سیاستمداران دیگر... بیخیال خودشان شرایط ذهنی داشتند تدارک میدیدند که ای وای، مارکسیسم دارد می آید به ایران، کمونیست چه میشود و چه، که مردم را از کمونیست بترسانند و متمایل بکنند به آمریکا. و حتی منطق آقای مهندس بازرگان در آن شرایطی بود که نامی توانیم هم با آمریکا بچسبیم و هم با کمونیسم والان کمونیست و مارکسیست خیلی خطرناک است و شرایطی درست میشود که آمریکا دیگر مطرح نشود. در سال ۵۴ برای امام بیگانه میدادند که امام از آمریکا و نفت دیگر سخن به میان نیآورد. تا آمریکائیا مثلا رضای شوفند که چنان بشود. این است که همیشه این مسائل بوده است.» «این مسئله در گذشته بوده است و بعد ضدامپریالیستی انقلاب اسلامی در همه مشهود است. این بعد را می خواهند از انقلاب بگیرند. در گذشته هم، می خواستند بگیرند و ما باید مواظب باشیم تا هر چه

بیشتر این بعد را تشدید کنیم دشمن بزرگ ما در این کشور آمریکا است.» «... سلطان قابوس با ایران رابطه داشت و حتی مثلا نمایندگان از طریق آقای دکتر یزدی برده میشدند که با امام ملاقات بکنند و امام در بین مذاکره هنگامی که متوجه شدند آنها نمایندگان سلطان قابوس هستند، به آنان حمله کردند. اما لیبی چون با ایران رابطه نداشت کوشش میکردند که اصلا برقرار نشود. و عامل مهم اجرای این سیاست در دولت موقت عباس امیرانتظام بود که هر موقع مسئله فلسطین و مسئله لیبی طرح میشد، ایشان مسئله را از طریق طرح مسأله امام موسی صدر بحرانی میکردند که روابط با لیبی برقرار نشود تا از آنطرف آقای صدر از صحنه سیاست لبنان خارج شده و از آنطرف لیبی هم روابطش با ایران بد باشد. بنابراین همان سیاستهایی که آقای صدر را از صحنه سیاستهای لبنان خارج کرده بود، همان سیاستها هم میخواست روابط ایران و لیبی را بهم بزنند... و چیز عجیبی که در این مسئله بود این بود که این آقای جلود نخست وزیر لیبی آمده بود ایران در یک هیئت پنجاه نفری و بنا بود که بروند و با امام ملاقات کنند، ولی از طریق دفتر آقای نخست وزیر وقت آقای بازرگان کوشش میشد که امام ایشان را نپذیرند. و در عین حال همان شب کوشش میشد نماینده سادات را امام بپذیرند. که امام این ملاقات را رد کرد و از آنطرف کوششهایی میشد که روابط ایران و مصر برقرار بماند.»

بمناسبت بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

حزب کمونیست اتحاد شوروی پیش از ۱۷ میلیون عضو دارد

حزب کمونیست اتحاد شوروی بیش از ۱۷ میلیون عضو دارد، که ۹۳ درصد جمعیت ۱۸ سال بالای این کشور را تشکیل میدهد. در ۲۰ سال گذشته، شماره اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی تقریباً دو برابر شده است. کارگران صنعتی و دهقانان جدید حزب (از کنگره بیست و پنجم تاکنون) کارگران کارخانه ها هستند. در مراکز بزرگ صنعتی، درصد کارگران از این نیز بالاتر است و به ۷۰-۷۵ میرسد. کارگران صنعتی و دهقانان تعاونی بیش از ۵۰ درصد اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی را تشکیل میدهند. نزدیک به ۷۵ درصد کمونیستهای شوروی در کسرت تولید مادی کار میکنند. (از جمله ۳۹ درصد در صنعت و ساختمان، ۸ درصد در ترابری و ارتباطات و ۲۰ درصد در کشاورزی). شانزده درصد کمونیستها به فعالیت های علمی، پزشکی، آموزشی و فرهنگی مشغولند و هشت درصد جزء کادر مدیریت هستند. در حزب کمونیست اتحاد شوروی نمایندگان بیش از ۱۰۰ ملیت عضویت دارند. در سال ۱۳۰۶ (۱۹۲۷) تنها ده درصد کمونیست های شوروی دیپلمه یا لیسانس به بودند. این رقم در سال ۱۳۲۶ (۱۹۴۷) ۵۷ درصد بود اکنون ۸۶ درصد است. امروزه یک چهارم مهندسان، تکنیسین ها و کنارسناسان کشاورزی، یک سوم معلمان و یک ششم پزشکان کمونیست هستند. در حزب کمونیست اتحاد شوروی ۱٫۸ میلیون کارکن و

ساختمان بیمارستان دویست تخت خوابی کرمانشاه را تکمیل کنید

طرح ساختمان بیمارستان دویست تخت خوابی (ریوی سابق) واقع در جاده سراب نیلوفر کرمانشاه، با وجود تمام شدن مدت تعیین شده، ساختن این بیمارستان را به پایان نرسانیده است. با توجه به حساسیت منطقه در این شرایط جنگی و احتیاج مردم به خدمات درمانی، لازم است که دولت هر چه سریعتر در مورد تکمیل ساختمان این بیمارستان اقدام کند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران، در جبهه متحد خلق

برای ایجاد محیط رعب و وحشت:

دستبر دعوامل ضد انقلاب به خانه های مردم در کرمان

عوامل ضد انقلاب در کرمان، به دنبال فعالیت های گسترده خود، مدتی است که به روش جدیدی برای ایجاد محیط رعب و وحشت در کرمان متوسل شده اند. آنها با پوشیدن لباس پاسدار، شبانه به خانه ها و مغازه ها حمله می کنند و وسایل مردم را به سرقت می برند. گاه نیز این حملات با

شکستن در و پنجره و پاره کردن قالیهای منازل، صرفاً برای ایجاد وحشت صورت می گیرد. ضد انقلابیون با انجام این عمل اولاً می کوشند تا سپاه پاسداران، این نهاد انقلابی را در انظار عمومی بدنام کنند، و ثانیاً امکان دستگیری عوامل خود را کاهش دهند. ما ضمن دادن هشدار در مورد فعالیت های ضد انقلابی این افراد، از مقامات مسئول مصراغه می طلبیم که هر چه زودتر آن هاراشناسانی کنند و مورد تعقیب و پیگرد قانونی قرار دهند.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM No. 457 2 March 1981 Price: West-Germany 0.80 DM France 2 Fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 Fr. Italy 350 L. U.S.A. 40 Cts Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند: صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۹ منطقه پستی تهران

تظاهرات مردم مادرید علیه تلاش کودتای نظامی

پس از تلاش نافرجام عده ای از نظامیان طرفدار فرانکو برای کودتا و استقرار دیکتاتوری نظامی در اسپانیا، ۳ میلیون نفر از اهالی مادرید، پایتخت اسپانیا، تظاهرات و راهپیمایی عظیمی به پشتیبانی از دمکراسی و به نشانه محکوم کردن تلاش برای استقرار دیکتاتوری نظامی در کشور تشکیل دادند.

گمکهای تسلیحاتی اسرائیل به رژیم نژادپرست جمهوری افریقای جنوبی

طبق گزارش روزنامه «سیتی زن»، چاپ جمهوری آفریقای جنوبی، همکاری های اقتصادی و نظامی اسرائیل با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی توسعه می یابد. در این گزارش آمده است که اسرائیل از جمهوری آفریقای جنوبی مواد خام، از آنجمله مواد خام استراتژیکی، دریافت میکند و در مقابل اسلحه و تجهیزات نظامی در اختیار آن کشور میگذارد.

رویدادهای جهان

اطلاعیه دبیرخانه شورای همیاری اقتصادی

دبیرخانه شورای همیاری اقتصادی کشورهای سوسیالیستی اطلاعیه ای درباره همکاری های فرهنگی کشورهای سوسیالیستی عضو این شورا با کشورهای درحال توسعه، در مسکو انتشار داد. طبق آماری که در این اطلاعیه ذکر شده است، کشورهای سوسیالیستی عضو این سازمان اقتصادی، تاکنون ۱۸۰ دانشکده و مراکز آموزش فنی در کشورهای درحال رشد تاسیس کرده اند، از جمله در کشورهای اتیوپی، افغانستان، برمه، گینه بیسائو از این مراکز آموزشی احداث شده است. شمار فارغ التحصیلان بنگاه های آموزشی، که به کمک کشورهای سوسیالیستی در کشورهای درحال توسعه احداث گردیده، تاکنون متجاوز از ۸۰۰ هزار کارشناس در رشته های مختلف دانش و تکنیک است.

بررسی تحریم صدور اسلحه به جمهوری افریقای جنوبی در جلسه شورای امنیت

مسئله تحریم صدور اسلحه به جمهوری آفریقای جنوبی در جلسه شورای امنیت مورد بررسی است. وزیر امور خارجه کشورهای عضو «سازمان وحدت آفریقا»، که در آدیس آبابا تشکیل شده، از شورای امنیت خواسته اند که تدابیر جدی برای مجازات رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی اتخاذ شود. انگیزه چنین تقاضائی امتناع رژیم نژادپرست جمهوری آفریقای جنوبی از واگذاری استقلال به نامی بیا و ادامه تجارتهای مسلحانه به کشورهای همسایه از جانب این رژیم است.

«لوح افتخار» را کامل کنیم

به مناسبت ۱۴ بهمن «روز شهیدان حزب و جنبش» متذکر شده بودیم که لوح افتخار کامل نیست و از همه مردم قهرمان ایران تقاضا کرده بودیم که نام و عکس شهیدان را که در «لوح افتخار» نیامده است، برای ما بفرستند. این نامه های تازه بر لوح افتخار افزوده شده است: رفیق غلام کمالی کارگر، عضو سازمان جوانان، در جریان انتخابات ۱۳۳۱، به وسیله اصابت گلوله پلیس شهربانی خرمشهر شهید شد. بهار اورک (مسئول سندیکائی مسجد سلیمان) در مرداد ۱۳۳۲ در جریان بازگشایی سندیکاها به ضرب گلوله شهید شد.

گلودیچیان عضو سازمان جوانان در مرداد ۱۳۳۲ در جریان بازگشایی سندیکاها به ضرب گلوله شهید شد. سید ابراهیم ساداتیان عضو سازمان جوانان دمکرات به ضرب گلوله پلیس شهید شد. از تاریخ دقیق شهادت این رفیق اطلاعی در دست نیست. رفقای که اطلاع دارند ما را باخبر سازند. نورمحمد قرینچیک در سال ۱۳۳۷ بر اثر ابتلا به بیماری سل که در زندان رژیم به آن مبتلا شده بود، در زندان های گنبد و گرگان به شهادت رسید. رفیق شهید عبدالله عابد اصلی در سال ۳۰ یا ۳۱ در تهران - کوچه برن، در موقع فروش روزنامه، شهید شده است. (از دوستانی که اطلاعات دقیق تری دارند تقاضا میکنیم بما اطلاع دهند). با تشکر فراوان از رفقای که نامه های بالا را در اختیار ما گذاشته اند، بار دیگر تقاضای خود را در این زمینه تکرار می کنیم.